

بحار الانوار و دیکسیونر فلسفی

در بهمن ماه ۱۳۷۸، هنگام ریاست جمهوری محمد خاتمی، کنگره‌ای مرکب از ۲۳۰ نفر نماینده از ایران، لبنان، مالزی، جمهوری آذربایجان، هند، فرانسه و امریکا، به ابتکار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنام «همایش بزرگداشت علامه محمد باقر مجلسی» در تهران تشکیل شد که هدف آن در نطق افتتاحیه وزیر ارشاد «تجلیل از خدمات علمی و فرهنگی و مذهبی علامه مجلسی و نقش شگرف آن بزرگوار در پیشرفت اندیشه و معارف اسلامی» اعلام شد. همین وزیر توضیح داد که در صورتیکه این علامه اقدام به گردآوری احادیث و روایات ائمه اطهار نمیکرد لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به جهان تشیع وارد میشد، و امروز وظیفه همه ما است که این میراث گرانبها را قدر بدانیم و شناخت آنرا هرچه بیشتر توسعه دهیم.

احتمالاً با همین برداشت است که اخیراً تدریس بحار الانوار و سایر آثار «علامه بزرگ» از جانب دولت آقای احمدی نژاد جزو برنامه‌های درسی مدارس قرار گرفته و طرح بنیاد بحار الانوار که در آغاز حکومت ولایت فقیه مطرح شده و بعد مسکوت گذاشته شده بود دوباره به بررسی گذاشته شده است.

این آقای مجلسی که در قرن یازدهم هجری یعنی در پایان عصر صفوی میزیست، در کتاب ۲۴ جلدی بحار الانوار خودش که به عربی نوشته شده، و بعداً خود او برگزیده‌هایی از آن را در چند اثر فارسی خویش آورده است، بیش از یک میلیون حدیث گردآوری کرده است که به نوشته خود او همه آنها از «منبع زلال سرچشمه وحی و الهام و از جانب مستقیم ائمه طاهرین» به او رسیده بوده است، و بهمین دلیل است که بیش از چهار قرن است صد و هشتاد هزار روضه‌خوان و واعظ کشور ما به برکت نقل و روایت آنها نان حلال خورده‌اند و میخورند.

کتاب بحار الانوار تقریباً در همان سالهایی تألیف شد که دیکسیونر فلسفی ولتر در قرن روشنگری اروپا نوشته میشد. بدیهی است در اینجا فرصت آن نیست که حتی یک صد هزارم احادیث این کتاب نقل شوند،

بدین جهت تنها به نقل سه چهار حدیث از آنها به عنوان نمونه اکتفا میکنم و آگاهی بر بقیه آنها را به مراجعه مستقیم خودتان به متن عربی بحارالانوار یا به خلاصه فارسی آن بنام حلیة المتقین که توسط شخص مؤلف انجام گرفته است موکول میکنم:

«در حدیث معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمود که: یا علی، ایستاده با زن خود جماع مکن که این کار کار خران است و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رختخواب خود بول کند. و در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشتی یا چهار انگشتی باشد، و در زیر درخت میوه‌دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد شود، و بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و بدعت‌گزار باشد، در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد بسا که جادوگر شود، و در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود بسا که لال باشد. در عوض در شب دوشنبه جماع بکن که فرزندی حافظ قرآن شود، و در شب سه‌شنبه جماع کن که فرزندی را شهادت نصیب شود، و در شب پنجشنبه جماع کن که فرزندی حاکمی از حکام شریعت گردد، و همه اینها را از من بیاموز، چنانکه من آنها را از حضرت جبرئیل آموختم!»

«از حضرت صادق علیه السلام روایت است که خداوند عالم برای رسول الله صلی الله علیه و آله هریسه‌ای از هریسه‌های بهشت را توسط جبرئیل هدیه فرستاد که دانه‌هایش در باغ‌های جنت روئیده بودند و حوران بهشت آنها به دست خود عمل آورده بودند. پس رسول اکرم آنها را تناول فرمود و قوت چهل مرد برای مجامعت بر قوت آن حضرت افزوده شد، و این چیزی بود که خداوند میدانست پیغمبرش را با آن بسیار خوشحال خواهد کرد»^۱.

۱ - حلیة المتقین، باب سوم، فصل هفتم.

۲ - همان کتاب، باب چهارم، فصل چهارم.

— «در حدیث معتبر دیگر است که حضرت رسول اکرم توصیه فرموده است که دختران باکره بخواهید که دهن‌هایشان خوشبوتر و رحم‌هایشان خنک‌تر و پستانهایشان پرشیرتر است. و منقول است که چون آن حضرت به خواستگاری زنی میفرستادند دستور میفرمودند که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد، و قوزک پایش نیز پرگوشت باشد»^۱.

— «از حضرت امیرالمؤمنین علی منقول است که فرمود: بخواه زن گندمگون سیاه چشم و میانه بالا و بزرگ سرین را، و اگر او را نخواستی بیا و مهریه‌اش را از من بگیر»^۲.

— «حضرت صادق علیه السلام فرمود: زنهار که نعلین سیاه میپوشید که ذکرتان را سست میکند و چشمتان را ضعیف، و در عوض نعلین زرد پوشید که چشم را جلا میدهد و غم را برطرف میسازد، و ذکر را سخت میکند»^۳.

— «حضرت صادق علیه السلام فرمود: میوه ۱۲۰ قسم است و بهتر از همه انار است»^۴ و نیز فرمود «در عالم ۲۱ نوع گل وجود دارد که سید آنها گل مورد است»^۴.

احادیث جعلی احمقانه دیگری به فراوانی در بحارالانوار و مشتقات آن وجود دارند که بسیاری از آنها به عنوان اعظم احادیث جهان تشیع توسط

۱ - همان کتاب، باب پنجم، فصل یازدهم.

۲ - همان کتاب، باب سوم، فصل هشتم.

۳ - طبق تازه‌ترین برآوردهای گیاه‌شناسی، در دنیا بیش از پانصد هزار درخت میوه‌دار وجود دارد (سالنامه Quid سال ۲۰۰۶) و رقم ۱۲۰ میوه که به امام جعفر صادق نسبت داده شده ظاهراً رقم میوه‌هایی است که خود علامه مجلسی در اصفهان میشناخته است.

۴ - براساس همین برآوردها، شمار درختان و بوته‌های گل‌دار دنیا بیشتر از دو میلیون است. در این مورد نیز رقم ۲۱ گل مورد تذکر امام جعفر صادق رقم گل‌هایی است که خود ملا باقر مجلسی بر وجودشان اطلاع داشته است.

حضرات آیات عظمی احمد جنتی و علی مشکینی، رؤسای شورای نگهبان و مجلس خبرگان در کتاب مشترک آن دو بنام سخنان چهارده معصوم عیناً نقل شده‌اند و حدیث زیر نمونه‌ای از آنها است:

«از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در حدیث معتبر منقول است که دوازده صنف حیوانند که از جانب خداوند مسخ شده‌اند. از جمله فیل پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد، و خرس عرب بادیه‌نشینی بود که دیووشی میکرد، و خرگوش زنی بود که هم به شوهرش خیانت میکرد و هم غسل حیض و جنابت را بجا نمی‌آورد. و شب پره کسی بود که خرمای مردم را میدزدید، و سوسمار و چلیپاسه دو گروه بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت موسی به مائده آسمانی ایمان نیاوردند و مسخ شدند، پس گروهی از ایشان به دریا رفتند و گروه دیگر به صحرا. و عقرب مرد سخن‌چینی بود، و زنبور قصابی بود که از ترازو دزدی میکرد، و کرگدن مردی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند».

خمینی و آمریکا

— «در تابستان ۱۹۷۸، ریچارد کاتم در پاریس با آیت‌الله خمینی ملاقات کرد، و هم او اولین کسی بود که دریافت منزل دکتر بهشتی استاد اصلی تهیه و توزیع نوارهای نطق‌های خمینی و سایر برنامه‌ریزیهای انقلاب در ایران است. تامس ریکس استاد دانشگاه جرج تاون با صادق قطب‌زاده تماس‌های منظم داشت. هنری پرکت شخصاً از دوستان نزدیک مهدی حائری یکی از استادان دروس اسلامی دانشگاه جرج تاون بود که با کمیته اطلاعاتی سنا از طریق یک عضو وزارت امور خارجه آمریکا همکاری میکرد.

آندریو یانگ رئیس هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد بیش از همه شیفته و فریفته خمینی بود. طی یک سخنرانی در واشنگتن اظهار داشت که نهضت خمینی تحت تأثیر مستقیم آموزشی آمریکا بوجود آمده است و از آن نیز الهام میگیرد، و در زمینه عملی توسط بیست و پنج تا پنجاه هزار دانشجویی اداره میشود که از زمان تحصیل در دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی این کشور اعتقاد کامل به موازین دموکراسی آمریکایی پیدا کرده‌اند. بر این اساس ما نباید از اینکه اینها شروع به درک قدرت خود کرده‌اند بیمی به دل راه دهیم. چیزی که میتوانم با اطمینان بگویم این است که هدفها و آرمانهای انقلاب ایران اصالتاً همان آرمانها و هدفهای حقوق بشر است، و وقتیکه این انقلاب درست جا بیفتد همه جهانیان در خواهند یافت که خمینی از زمره قدیسین عصر ما بوده است.

پرفسور ریچارد کاتم استاد دانشگاه پیتسبرگ و مشاور مورد احترام وزارت امور خارجه آمریکا که متخصص «ایدئولوژی اسلامی» شناخته شده بود، منظمأ اطمینان میداد که آیت‌الله خمینی بهیچوجه خواستار حکومت نیست و در بازگشت به ایران به حجره درس خودش باز خواهد گشت. جمهوری اسلامی الزاماً و ماهیتاً نه یک رژیم ضد آمریکایی است و نه یک رژیم متعصب مذهبی. بالعکس تمام قرائن نشان میدهد که این رژیم در جریان تبدیل به یک نظام قانونی کاملاً دموکراتیک است و میتواند سرمشقی

از یک حکومت کاملاً انسانی، که خود ما بدان احتیاج مبرم داریم، به تمام کشورهای جهان سوم عرضه بدارد.

پرفسور ریچارد فالک در شماره بهار ۱۹۷۹ مجله «سیاست خارجی» به خوانندگان خود اطمینان داد که اطرافیان خمینی همگی متعهد به مبارزه با تمام اشکال اختناق و سرکوب هستند، و اصولاً قانون اساسی خمینی توسط میانه‌روهایی تهیه شده است که شدیداً به حقوق افراد و حقوق اقلیت‌ها اعتقاد دارند. آقای فالک این اطمینان را نیز میداد که اصولاً عدالت اجتماعی در ذات جمهوری اسلامی نهفته است و خمینی درست مشابه آن حقوقدانان روشنگری عمل میکند که در خود ایالات متحده برداشتهای تازه و بسیار مترقیانه‌تری را از مسائل قضائی ارائه میکنند.^۱

این متن در مجله «سیاست خارجی» در شماره بهار ۱۹۷۹ درج شده است. در این متن، فالک به عنوان یک اهل حق و عدالت‌خواه، به حقوقدانان روشنگری در ایالات متحده اشاره کرده است. او معتقد است که اصولاً عدالت اجتماعی در ذات جمهوری اسلامی نهفته است و خمینی درست مشابه آن حقوقدانان روشنگری عمل میکند که در خود ایالات متحده برداشتهای تازه و بسیار مترقیانه‌تری را از مسائل قضائی ارائه میکنند.

این متن در مجله «سیاست خارجی» در شماره بهار ۱۹۷۹ درج شده است. در این متن، فالک به عنوان یک اهل حق و عدالت‌خواه، به حقوقدانان روشنگری در ایالات متحده اشاره کرده است. او معتقد است که اصولاً عدالت اجتماعی در ذات جمهوری اسلامی نهفته است و خمینی درست مشابه آن حقوقدانان روشنگری عمل میکند که در خود ایالات متحده برداشتهای تازه و بسیار مترقیانه‌تری را از مسائل قضائی ارائه میکنند.

۱ - نقل از کتاب Debacle: The American Failure in Iran تألیف مشترک Michel A. Lewis و Ledeen (چاپ نیویورک، ۱۹۸۱)

فاسدترین و منزه‌ترین کشورها

در تازه‌ترین گزارش از گزارش‌هایی که در دسامبر هر سال توسط مؤسسه آمارگیری Interprocess Communication براساس اطلاعات گردآوری شده از منابع رسمی و خبری بین‌المللی و گزارش‌های تهیه شده خصوصی منتشر میشود، فهرستی از ده کشور که کمترین حد فساد مالی را در میان ۱۹۲ کشور جهان دارند، و از ده کشور دیگری که دارای بیشترین حد فساد مالی هستند ارائه شده است. ده کشوری که در حال حاضر منزه‌ترین کشورهای جهان را تشکیل میدهند به ترتیب عبارتند از: فنلاند، زلندنو، دانمارک، ایسلند، سوئد، سوئیس، نروژ، هلند، استرالیا و سنگاپور. و ده کشوری که در مقابل آلوده‌ترین کشورها شناخته شده‌اند به ترتیب عبارتند از: بنگلادش، نیجریا، هائیتی، کنگو، اندونزی، پاکستان، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان. در باره ایران این فهرست ساکت مانده است، زیرا اطلاعات لازم از جانب دولت این کشور در اختیار مؤسسه آمارگیری گذاشته نشده و تسهیلاتی نیز در این زمینه برایش فراهم نشده است. آنچه مسلم است این است که در این آمار، هفت کشور از آلوده‌ترین کشورهای جهان به فساد مالی، کشورهای مسلمان هستند، و در مقابل نه کشور از ده کشوری که کمترین حد فساد را دارند کشورهای مسیحی، که از دیدگاه فرضیه‌پردازان تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالحرب، میباید دیز یا زود بدست مسلمانان به راه رستگاری رهبری شوند.

وضع آن کشورهای مسلمانی هم که بیرون از ردیف ده‌گانه قرار دارند از هیچیک از اینها بهتر نیست. در الجزایر، حق و حسابهای دریافتی ده ساله اخیر از جانب مسئولان عقد قراردادهای دولتی ۲۶ میلیارد دلار است. در مالی، موسی ترانوره رئیس جمهوری پیشین تمامی دو میلیارد دلار وام دریافتی کشورش از مراکز پول بین‌المللی را به حساب خود منظور داشته است. در موریتانی، نیجر، گینه ۱۰ تا ۱۵ درصد از رشوه‌های دریافتی بابت انعقاد قراردادها مستقیماً به بانکهای اروپایی فرستاده شده‌اند.

حتی در جمهوری در حال تشکیل فلسطین که مردم آن بر اثر سرکوبگریهای چندین ساله در پائین‌ترین سطح زندگی قرار گرفته‌اند، طبق گزارشی که اخیراً به دستور خود رئیس جمهوری (محمود عباس) توسط دادستان از نحوه مصرف چند میلیارد دلار کمک مالی بین‌المللی تهیه شده ۷۰۰ میلیون دلار از صندوق حکومت خودمختار فلسطین برداشت شده است بی‌آنکه کمترین اطلاعی از نحوه مصرف آن در دست باشد.

در جمهوری اسلامی ایران، ارقامی که در سالهای اخیر بصورت رسمی انتشار یافته‌اند، از بزرگترین حد سوء استفاده، در ابعادی جهانی، در سازمانهای دولتی یا بنیادهای «خیریه - مذهبی» حکایت میکنند. رقم یکی از این سوء استفاده‌ها در بنیاد مستضعفان به تنهایی ۲۲ میلیارد تومان است و سوء استفاده مشابهی به مبلغ ۱۸۰ میلیون دلار در شرکت دخانیات نشریه معتبر لوموند دیپلماتیک گزارش مستندی از ۱۰ میلیارد دلار ارز را منتشر کرده است که به حسابهای مخصوص ملاهای سرشناس ایران به خارج انتقال یافته‌اند، و تصریح میکند که این رقم غیر از مبالغی است که در سوئیس و آلمان و لوکزامبورگ و مناکو به حسابهای خصوصی مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی واریز شده است.

سیاست «زمین سوخته»

صاحب‌نظری سرشناس، در بررسی جامعی با عنوان «سیاست زمین سوخته» در کیهان چاپ لندن نوشته است: «ایران را دارند به جایی می‌رسانند که دیگر کاری برایش نمیتوان کرد»، و تصویری کلی از واقعیت‌های موجود این کشور را که سی سال پیش در آمارهای رسمی سازمان ملل متحد دهمین کشور معتبر جهان بشمار میرفت و امروزه به مقام صد و هفتمین آن پایین آمده است چنین ارائه کرده است: ۲۰ میلیون نفر در مرز فقر یا در زیر این مرز، ۴ میلیون نفر معتاد، ۱۴ میلیون نفر بیمار روانی، ۳۰۰ هزار زن تن فروش، ۶۰۰ هزار کودک کارگر، ۸ میلیون نفر بیسواد، یک میلیون و نیم نفر محروم از تحصیل، ۱۸۰ هزار نفر فراری در سال با احتساب ۱۴۰۰ میلیارد تومان (رقمی با ۱۱ صفر) زیان این فرار مغزها، سن متوسط فحشا ۱۴ سال، سن متوسط بزهکاری ۱۰ سال، سن متوسط اعتیاد ۱۳ سال.

یک دانشجوی پیشین خط امام و از گروه‌گان گیران دیپلمات‌های امریکائی بنام عبدی که در چرخش‌های سه دهه گذشته اکنون به بی‌اعتقادی کامل رسیده است، در وبلاگ خود متذکر میشود که کار درست از نظر اجرای یک برنامه‌ریزی طرح شده دقیق کاری است که توسط احمدی‌نژاد، در جریان انجام است، زیرا کشور دارد به جایی می‌رسد که دیگر کاری برای آن نمیتوان کرد.

ناشایسته سالاری دستگاه حکومتی با سطح فکر و دانشی که از چنین خاستگاهی انتظار میتوان داشت، کسانی را به میدان آورده است که تنها صلاحیت اکثریتشان بستگی نزدیک به رئیس جمهوری و تملق‌گویی از او است، و خود پیداست که این جماعت نه میخواهد و نه میتواند در اندیشه آینده ایران باشد. پر کردن جیب‌ها، به کار گماشتن دوستان و نزدیکان و بر باد دادن گنج بادآور درآمدهای نفتی به منظوره‌های کوتاه‌مدت و عوام‌فریبانه، بزرگترین دستاورد یک ساله گذشته آنان بوده است، و هنوز آسیب‌های بزرگتری در آستین دارند، زیرا که اگر زمان بیابند زمین سوخته‌ای برای

جانشینان خود خواهند گذاشت: پائین آوردن سطح آموزشی، پر کردن ساعت‌های درسی با یاهوهای حوزه و گذاشتن آخوند حزب‌اللهی در مقام رئیس دانشگاه، پاکسازی گسترده استادان، تاراندن روشنفکران و واداشتشان به گریز از ایران از طریق هشدار بدانان که ایران جای شما نیست برنامه حکومت برای بستن دهن هر ایرانی است. با اینهمه در پهنه اقتصاد است که ضربه اساسی وارد میشود، زیرا سیاستهای جمهوری اسلامی که اقتصاد را در چهارچوب تنگ حجره و دلالتی و بده و بستان می‌بیند و بجای یک اقتصاد تولیدی بر خرج کردن ناسالم و غیرمنصفانه درآمد نفتی تکیه دارد در جریان آن است که تا جایی که بتوان یک جامعه رانت‌خوار و دولت روزی‌رسان بوجود آورد پیش برده شود. یک آمار از وزیر کار خبر از بیکار شدن ۳۲۰ هزار کارگر در ششماه گذشته میدهد و از شمار بیکاران که به چهار میلیون و نیم نفر رسیده است، و این هنوز اول کار است.

در امر خصوصی‌سازی که در جریان است، میتوان کارخانه‌ها را به بهای مناسب به نزدیکان و خودی‌های دست اول فروخت و به پول نقد رسید، آنگاه به دلیل منطقی عدم سودآوری آنها را تعطیل کرد و زمین‌ها را با سودهای افسانه‌ای به فروش رسانید و پول‌ها را در جاهای مطمئن‌تری مانند دویی و چین سرمایه‌گذاری کرد. کارگران بیکار هم دیگر توان اعتصاب نخواهند داشت و به صف دراز «تفرین شدگان» خواهند پیوست.

رقم مالی طرحهای عمرانی که در حکومت احمدی‌نژاد بی‌مناقصه و تشریفات به سپاه پاسداران داده شده به ۷ میلیارد دلار میرسد. در همین حال ۲۹ انجمن و شرکت پیمانکاری و ساختمانی خصوصی که بیش از ده هزار شرکت ساختمانی را در سطح کشور زیر پوشش دارند در نامه‌ای به رؤسای سه قوه حکومتی شکایت کرده‌اند که بخش خصوصی در صنعت ساختمان در حال ورشکستگی است و نویسندگان نامه البته میدانند که این درست نتیجه‌ای است که گروه فرمانروای تازه انتظار دارد. صد هزار میلیارد تومان (رقمی با ۱۳ صفر) طرح «خصوصی سازی» کنونی، همه آن دارایی‌های هنکفت مالی را نیز شامل نمیشود.

۷ میلیون پرونده قضایی برای ۷۰ میلیون نفر جمعیت

آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه ایران، در برنامه رادیو تلویزیونی «ارتباط زنده تصویری» بر این واقعیت تأکید گذاشته است که در حال حاضر در کشور ایران با حدود ۷۰ میلیون نفر جمعیت، بیشتر از ۷ میلیون پرونده در دستگاههای قضائی مورد بررسی قرار دارد، و چنین رقم جرم و جنایت گسترده‌ای در هیچ کشور دیگر جهان نظیر ندارد.

وی با اشاره به اینکه چگونه ممکن است از هر ده نفر یک نفر در کشور دستخوش اختلاف باشد، اظهار نظر کرده است که بسیاری از این اختلافات ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی و مقررات و دستورالعمل‌های سازمانهای دولتی و بانک‌ها و بیمه کشور دارند که باید از پایه اصلاح شود. وی افزوده است که در کشورهای دیگر حل مسائل بانکی و بیمه و ثبت و منابع طبیعی و شهرداری‌ها و امثال آن از طریق دادگاهها انجام نمیشود و فی‌المثل در آنها موضوع چک بی‌محل یا جعل سند مفهوم ندارد، زیرا سیستم پیشرفته بانکی و بیمه‌ای اصولاً اجازه این امور را نمیدهد تا افراد در پیامد آنها وادار به مراجعه به دادگاه شوند. به عنوان مثال، با تأکید بر استفاده از فناوری و تجربیات کشورهای پیشرفته میتوان گفت: در یک پرونده زمین در تهران در حال حاضر ۴,۰۰۰ نفر شاکی وجود دارد، زیرا ابتدا زمین توسط سازمانی دولتی واگذار شده، سپس همان زمین توسط سازمان دولتی دیگری ملی اعلام شده است و این نکته به وضوح مشخص میکند که در نحوه واگذاری و نحوه تعبیر کاربری اشکال اساسی در کار است که اگر نبود چهار هزار پرونده به دستگاه قضائی تحمیل نمیشد.

شاید لازم به یادآوری باشد که در همین سال جاری، دولت ایتالیا در کشوری که آن نیز درست مانند ایران ۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد، اعلام کرده است که سیستم قضائی آن در حال حاضر ۵۴ هزار پرونده در دست رسیدگی دارد که میباید هرچه زودتر تکلیف آنها معلوم شود، و مقایسه‌ای میان ۵۴,۰۰۰ پرونده در ایتالیا و ۷ میلیون پرونده در ایران، میتواند نشان دهد که برای پیشرفتگی واقعی داشتن بمب اتمی آن اندازه ضروری نیست که برخورداری از حقوق بشر ضروری است.

بخش چهارم

بن لادنيسم و خمينيسم
مافياهاى مذهبي هزاره سوم

آشفته بازار «ولایت مطلقه فقیه»

آنچه در این روزها در ایران میگذرد، بیش از هر زمان دیگر منعکس کننده آشفته بازاری است که کشور ما در مقام کشور خاص امام زمان با آن دست به گریبان است. در این آشفته بازار از هر سو صدایی برمیخیزد که غالباً با هیچ منطق و لو بچه‌گانه‌ای هم همراه نیست. هر آخوندی که به دلخواه خود از طلبگی به آیت‌اللهی رسیده است بنام بیضه‌داری دین سخنانی میگوید که کودک دبستانی امروز نیز از سخافت آن متعجب میشود و جالب است که هر قدر عمامه بیضه‌داران بزرگتر باشد سخافت این سخنان بیشتر است، زیرا نسل جوانتر این آخوندان خواه ناخواه تماس نزدیکی با واقعیت‌های جهانی دارد که وسایل ارتباطی دنیای امروز در دسترس او میگذارند. آیت‌الله‌هایی که در مقامات کلیدی رژیم نشسته‌اند غالباً چون آن اصحاب کهف عمل میکنند که فاصله زمانی قرن بیست و یکم را با عهد شاه اسماعیل و قزلباش‌ها و شیخ‌المحدثین‌های او و جانشینانش عوضی گرفته‌اند و متأسفانه همین‌ها هستند که چماق‌های بسیجیان و کارگردانی «مقام معظم رهبری» و میلیاردهای بادآورده نفتی را پشتوانه خود دارند. برای اینکه نمونه‌ای از این کلاف سردرگم را در اختیار داشته باشید به فهرست فشرده‌ای از آنچه تنها در دو ماهه شهریور و مهر گذشته در کشور ما گذشته است توجه کنید:

- آیت‌الله علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان، در مراسم گشایش شانزدهمین دوره این مجلس: «عید نوروز سرشار از کثافتکاری است و اصولاً تاریخ شمسی تاریخ چرندی است، در صورتیکه تاریخ قمری سرشار از رحمت الهی و روزهای شریف و هفته‌های متبرک و ماههای پرفضیلت است که یکی از آنها را در سال شمسی پیدا نمیکنید. تمام دارائی سال شمسی همین نوروز است که غرق کثافت است.»

- همین آیت‌الله در خطبه نماز جمعه خود در تهران: «شیطان در جهنم برای پیروان خودش سخنرانی خواهد کرد، همانطور که پیامبر اسلام نیز در جهان آخرت سخنرانی مبسوطی خواهند داشت که متعاقب آن حضرت ابراهیم خلیل‌الله و بعد از او حضرت علی‌ابیطالب نیز سخنرانی خواهند کرد.»

- آیت‌الله درّی نجف‌آبادی دادستان کل جمهوری اسلامی، رئیس پیشین دیوانعالی کشور و وزیر پیشین وزارت اطلاعات و امنیت: «بمنظور

ریشه‌کن کردن بلای اعتیاد نزد جوانان، برای حضرت ابوالفضل گوسفند نذر کنید».

• آیت‌الله مصباح یزدی در جمع گروهی از فعالان سیاسی، ۷ مهر ۱۳۸۵: «اگر از صدر اسلام تاکنون فقیهی را پیدا کنید که گفته باشد ولی فقیه مشروعیت خود را از رأی مردم میگیرد من تمام دارایی خودم را به او میبخشم. من پنجاه شصت سال در این مسئله ریش سفید کرده‌ام، و اگر امروز در این باره سکوت کنم فردای قیامت خدا جلوی مرا میگیرد و میگوید تو که شصت سال نان امام زمان را خوردی چرا سکوت کردی؟»

• فرید براتی رئیس ستاد سازماندهای بیماران مزمن روانی: «آخرین تحقیقات نشان داده‌اند که دست کم ۲۱٪ کل جمعیت ایران به نوعی مشکلات روانی دچارند. رئیس جامعه پزشکان متخصص ایرانی در همین باره توضیح میدهد که در گذشته بیماریها یا سکت‌های قلبی غالباً در نزد افراد بالاتر از پنجاه سال مشاهده میشد، اما امروزه سن ابتلا بدین بیماریها به بیست و پنج سال کاهش یافته است، بطوریکه هم‌اکنون بسیاری از جوانان ما به علت بیماریهای قلبی در CCU بستری هستند، و عامل این امر نگرانی و اضطراب مزمن آنها است.»

• احمد توکلی رئیس مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۹ مهرماه ۱۳۸۵ مجلس: «با توجه به اینکه دولت خواستار اختصاص ۳٫۵ میلیارد دلار برای وارد کردن بنزین شده است، باید حساب کنیم که اگر این رویه ادامه یابد در دو سال آینده که سالهای انتخابات است حدود ۳۰ میلیارد دلار برای واردات خرج روی دست مردم خواهیم گذاشت.»

• محمود احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه امریکایی واشینگتن پست (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۶): «اگر امریکا دست از برنامه تغییر رژیم در ایران بردارد، مذاکره در باره کلیه مسائل دیگر برای ما ممکن خواهد بود.»

• مرکز بین‌المللی بررسی در باره سرمایه‌گذاری‌ها: از جمع ۹۰۰ میلیارد دلار که در حال حاضر در سطح جهانی در کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری شده است، ایران با تنها ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری

خارجی در این کشور، در میان ۱۴۰ کشور مورد بررسی مقام صد و سی و چهارمین را در سال جاری داشته است.

• زین‌الدین زیدان کاپیتن تیم فوتبال فرانسه که بمناسبت ضربت زدن به حریف فوتبال‌بست ایتالیایی خود از بازی محروم شده بود، در مصاحبه با تلویزیون فرانسه توضیح داد که انگیزه او فحش ناموسی فوتبال‌بست ایتالیایی به خواهر او بوده است. ولی این توضیح نه مورد پسند مقامات مذهبی جمهوری اسلامی قرار گرفته است و نه مورد پسند نمایندگان مجلس شورای اسلامی، زیرا از یکطرف علاء‌الدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس او را در این مورد مدافع ناموس کلیه زنان مسلمان دانسته است و از طرف دیگر امام جمعه کرمان ضمن مهدورالدم شناختن فوتبال‌بست ایتالیایی در خطبه نماز جمعه خود گفته است که ضربه استشهادی زین‌الدین زیدان به آن مرد خائن ایتالیایی در واقع دفاع از حیثیت حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و تشیع علوی بوده است و زین‌الدین زیدان قهرمان دفاع از امامت و ولایت علی و زهرا و مبارز راه ظهور حضرت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه است.

لازم به تذکر است که زیدان که اصلاً الجزایری است، مثل سایر هموطنان خود پیرو خالص تسنن است و هیچوقت سر و کاری با تشیع اثنی عشری و فاطمه زهرا و امام زمان نداشته است.

• به گزارش روزنامه اطلاعات بین‌المللی چاپ لندن (۲۱ تیر ۱۳۸۱) سازمان میراث فرهنگی کشور خانه شخصی دکتر محمد مصدق را به عنوان اثر ملی به ثبت رسانیده است. همچنین مقبره دکتر مصدق در احمدآباد به دستور محمود احمدی نژاد بازسازی شده و به عنوان میراث فرهنگی به ثبت رسیده است.

این بزرگداشت در مورد کسی صورت می‌گیرد که آیت‌الله خمینی در سخنرانی شدیدالحن خود در ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ در ارتباط با مخالفت مهندس بازرگان نخست‌وزیر و جبهه ملی با لایحه قصاص او، دکتر مصدق را دشمن اسلام و محارب با خدا نامیده و گفته بود: «معنی این لایحه این است که ایها الناس

بیائید در مقابل قرآن قیام کنید. البته من از جبهه ملی غیر از این هم توقع نداشتم، زیرا این مصدق که اینها به وجودش فخر میکنند اصلاً مسلمان نبود و اگر مانده بود به اسلام سیلی میزد. این جبهه ملی‌ها هم تفاله‌های جمعیت او هستند».

در شرایطی که کمترین تخلف از گفته‌های «امام راحل» جرمی شایسته زندان و گاه اعدام تلقی میشود، معلوم نیست آقای احمدی نژاد که ندانسته مرتکب این جرم شده است باید از گناهش توبه کند یا آنچه را که به ثبت رسانیده است پس بگیرد.

• حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۱۵ شهریور ۱۳۸۵ (۶ سپتامبر ۲۰۰۶) مجلس، با اشاره به جشنهای نیمه شعبان (سالروز تولد امام زمان): «نه علم، نه دمکراسی و نه آزادی که امروزه در غرب بجای خدا نشسته‌اند، هیچکدام توانایی اداره جهان را ندارند، زیرا درمان دردهای جهان دین و دینداری است، و کلید دینداری که باید اساس اداره جهان قرار گیرد اعتقاد به مهدویت است».

۱ - دو توضیح لازم شرعی و غیرشرعی:

آقای رئیس قوه مقننه، با همه مقامی که در نظام حکومتی ولایت فقیه دارد، یا واقعاً نمیداند و یا عمداً جاهل میکند که اعتقاد به مهدویت در سرتاسر جامعه اسلامی امروز جهان منحصر به مثنی شیعه اثنی عشری است که بیشتر از دویست میلیون نفر از بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر مسلمان و پنج میلیارد نفر نامسلمان جهان را شامل نمیشوند، و معنی این واقعیت این است که اگر حق با این دویست میلیون نفر باشد، ۶ میلیارد نفر دیگر از مردم جهان ما در گمراهی بسر میبرند، و چنین دنیای «عوضی» فقط به درد نظام ولایت فقیه و قوه مقننه آن میخورد.

واقعیت دیگری که آقای رئیس قوه مقننه میباید دانسته باشد - و ظاهراً میداند - این است که در دنیای پیشرفته امروز، علم و دمکراسی و آزادی هیچکدام در جای خدا نشسته‌اند، بلکه هر کدام از آنها در جای خودشان نشسته‌اند و خدا را نیز در جایگاه خودش گذاشته و مزاحمش نشده‌اند. صدها میلیون نفر مسیحی جهان، هم اعتقاد خود را به خدا حفظ کرده‌اند، هم در موارد معین به کلیساهای خود میروند و هم در اجتماعاتی نظیر آنچه پاپ ژان پل دوم به مناسبتهای مختلف تشکیل میداد، در ابعاد چند میلیون نفری شرکت میکنند - و غالباً این شرکت‌کنندگان جوانان تحصیل کرده‌ای هستند که کسی آنها را با اتوبوس برای برگزاری نماز جمعه به دانشگاهها نمیرد، یا کارگرانی که با کامیون برای تظاهرات «داوطلبانه» به میتینگ‌ها فرستاده نمیشوند.

• آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش و خانواده‌های شهدا و معلولین استان گیلان: «از حضرت امام باقر روایت است که علم و دانش مرتباً در درون قلب حضرت مهدی صاحب‌الزمان رشد میکند، همانطور که گیاهان در بهترین شرایط ممکن رشد میکنند. با توجه به احادیث معلوم میشود که برنامه حضرت امام زمان قیام تکنولوژی است و در این زمینه سلاح‌هایی در اختیار آن بزرگوار است که تاکنون به فکر هیچ انسانی نرسیده است»^۱.

• روزنامه اطلاعات بین‌المللی که به طور روزانه به دو زبان فارسی و انگلیس در اروپا و آمریکا و خاور دور منتشر میشود، در شماره ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۶ (۲۲ شهریور ۱۳۸۵) خود زیر عنوان «جشن میلاد منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه در مرکز اسلامی هامبورگ» مینویسد:

«همزمان با ایام عید بزرگ تیمه شعبان و میلاد پرفروغ یگانه

۱ - دو توضیح لازم شرعی: توضیح نخست اینکه نه تنها حضرت امام محمد باقر چنین مطلبی را اظهار نداشته است، بلکه هیچیک از امام‌های یازده‌گانه قبل از امام دوازدهم، و طبعاً خود پیامبر اسلام نیز مطلقاً مطلبی را که حاکی از ظهور آینده امامی بنام امام غائب باشد بیان نکرده‌اند و تمامی احادیثی که در این باره از ایشان روایت شده است مربوط به دوران ابوجعفر کلینی در کتاب کافی او است که سرمشقی برای محدثان بعدی شده است و سابقه‌ای برای آنها در هیچیک از کتب حدیث تألیف شده در سه قرن اول هجری نمیتوان یافت.

توضیح دوم اینکه از زمان خود امام غایب تا به امروز، کلیه روایات مندرجه در کتابهای حدیث جهان تشیع، از کتب اربعه اصلی گرفته تا جلد سیزدهم بحار الانوار مجلسی، حاکی از این بوده‌اند که آن حضرت با ۱۱۳ شمیری که برای همراهانشان از آسمان با اسم و رسم هر کدام به صحن کعبه فرستاده میشوند قیام میکنند و تمامی کشتارهایی هم که به فرماندهی ایشان صورت میگیرد یا همین شمشیرها و با شمشیرهای ملائک و اجنه انجام میگیرد، و حتی یک حدیث نمیتوان یافت که در آن صحبت از سلاح‌های محیرالعقول تکنولوژیک شده باشد که آنحضرت از چننه خود بیرون می‌آورند. نتیجه‌ای که میتوان گرفت این است که یا اعظام محدثان جهان تشیع بطور دسته‌جمعی دروغ گفته‌اند و یا آیت‌الله مکارم شیرازی با همه اهمیت مقام شرعی خودشان جعل حدیث کرده‌اند.

محبت گستر سنیطره عشق حضرت مهدی صاحب الزمان، مرکز اسلامی هامبورگ سراسر نور و سرور و شادمانی بود. در این مراسم برای کسانی که نام آنها یکی از القاب مبارک حضرت ولی عصر یا نرگس خاتون بود صلوات فرستاده شد.

خود حضرت صاحب الزمان در تعبیر بسیار زیبایی میفرمایند: بهره گیری مردم از من در زمان غیبت من در حکم بهره گیری از خورشید است زمانی که در پس ابر قرار دارد. مدیر مرکز اسلامی هامبورگ گفت انتظار ظهور امام زمان آرزو و امید نیست، بلکه در روایات افضل الاعمال نامیده شده است»^۱.

• از نظر درآمد سرانه سالانه، ایران با رقمی معادل ۲۱۹۰ دلار (زدیف صد و بیست و هشتم از میان ۱۹۱ کشور جهان) تنها کشوری است که در ربع قرن گذشته از این بابت به راه عقب گرد رفته است، زیرا کلیه دیگر کشورها، در حال حاضر بیش یا کم درآمد سرانه سالانه‌ای بالاتر از ربع قرن پیش دارند. و این در شرایطی که ایران دومین صادر کننده نفت و اولین صادر کننده گاز در سازمان اوپک است.

• محمود احمدی نژاد: «همه باید در مسیر انبیاء حرکت کنند. ما باید فرهنگ انتظار را میان خودمان گسترش دهیم. برای اینکار خوب است هر روز صبح وقتی که بیدار میشویم به آن حضرت سلام کنیم و بگوئیم السلام علیک یا ابی‌صالح المهدی».

۱ - توضیح لازم شرعی: کتب اربعه احادیث جهان تشیع و کلیه کتب احادیثی که بعد از آنها تألیف شده‌اند، و سرانجام بحار الانوار ملا محمد باقر مجلسی که شش هزار حدیث مربوط به امام دوازدهم را یکجا در جلد سیزدهم خود گرد آورده است، بالاتفاق از امام غائب به صورت شمشیرکش بزرگ اسلام نام برده‌اند که بر اساس بخشی از احادیث از هر سه نفر مردم روی زمین یکنفر را بیشتر باقی نمیگذارد، و بر اساس بخشی دیگر از احادیث از هر ۱۰۰۰ نفر یکنفر را بیشتر باقی نمیگذارد، و حتی حیوانات حرام گوشت را هم از دم شمشیر میگذرانند. در هیچ جای این احادیث حتی یکبار هم صحبتی از آنحضرت به عنوان «محبت گستر سنیطره عشق» بمیان نیامده است. مرکز اسلامی هامبورگ لطفاً یا نشانی از حتی یک حدیث در این زمینه بدهد، یا از جعل حدیث که قطعاً مورد قبول خود آنحضرت نیز نیست خودداری کند.

• دو هفته پیش خبر فوق‌العاده‌ای دهان به دهان در مملکت منتشر شد که آیت‌الله بهجت در حین‌ی که مشغول وضو گرفتن بوده‌اند غفلتاً بیهوش شده‌اند، و پس از بیهوش آمدن به مریدان خود فرموده‌اند در همین لحظه که بیهوش شدم زن ریشداری که باید امام زمان بدست او کشته شود در اصفهان متولد شد.

• حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی وزیر کشور: در حال حاضر ۶۰۰ نفر در زندانهای تهران و مشهد و شهرستانهای دیگر زندانی هستند که یا خودشان مدعی امام زمان بودن شده‌اند یا مدعی ارتباط خیلی نزدیک با او شده‌اند.

• ثبت نام رایگان برای کاروان زیارتی جمکران از شنبه ۱۱ شهریورماه از سوی ستاد شعبانیه آغاز شده است. جواد عسکریان مسئول این ستاد در مصاحبه مطبوعاتی: طرح یکهزار صلوات از سوی ستاد به اجرا گذاشته شده است و علاقمندان میتوانند با مراجعه به مسجدالرسول در جنب شهرک سازمان آب ثبت نام کنند. توضیح آنکه روزانه هزاران تن برای برآورده شدن حاجاتشان به مسجد جمکران مراجعه میکنند و خواست خود را در نامه‌ای همراه با مبلغی پول به خدام چاه جمکران میدهند، که آنها را بعداً در چاه میاندازند و چند روز بعد جواب امام را با مهر و امضای ایشان بدست متقاضی میدهند.

• آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در خطبه نماز جمعه قم: «علامه مجلسی و ملا فیض کاشانی حدود ۲۵۰ سال پیش به مسجد جمکران می‌آمدند و از همان وقت روایاتی داشتند که این چاه مرکز ظهور حضرت امام زمان خواهد بود».

• حجت‌الاسلام مجید انصاری در جلسه مجلس خبرگان: «آدرس عوضی برای امام زمان دادن در مسجد جمکران لطمه زدن به موضوع فرج ایشان است. افراد برجسته‌ای مانند حضرت امام خمینی در دوران غیبت امام زمان ارتباطات وثیقی با ایشان داشته‌اند. چرا امروز آدرس امام زمان را بجای چاه جمکران مرقد مطهر امام خمینی نمیدهید؟»

• روز ۱۴ شهریور ۱۰۳۸۵ (۵ سپتامبر ۲۰۰۶) فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی امیر سرلشکر عطاء الله صالحی خبر داد که جنگنده صاعقه که توسط مهندسان دانشگاه شهید ستاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی طراحی و «بهینه سازی» شده است، نخستین آزمایش خود را در زمینه بمباران دشمن فرضی در رزمایش «ضریب ذوالفقار» در شمال غرب کشور با موفقیت انجام داده است، و تأکید کرد که «تکنولوژی تولید این هواپیما را کشورهای امریکا و روسیه و چین و هندوستان نیز به صورت مشترک دارا هستند، ولی «صاعقه» که کلاً توسط متخصصان ایرانی تولید شده از همه آنها کارایی بالاتری دارد».

• آیت الله مصباح یزدی: «نامه رئیس جمهور ایران به رئیس جمهور امریکا یک الهام الهی بود و حق است که این نامه در همه مدارس و دانشگاهها تدریس بشود».

• محمد احمدی نژاد: «مشکلات امروز دنیا بخاطر فراموشی یاد خداست. کسانی که از خدا فاصله گرفته‌اند یا باید از سرمشق ایران پیروی کنند یا سرنوشتشان مانند نم‌رود خواهد بود. مگر دنیا بی حساب و کتاب است؟»

• محمود احمدی نژاد در نامه خود به خانم آنگلا مرکل صدراعظم آلمان: «ریشه همه نابسامانی‌های جهان امروز دوری حکومتها از تعلیمات حضرت ابراهیم خلیل الله و حضرات موسی کلیم الله و عیسی روح الله و بخصوص حضرت پیامبر خاتم محمد بن عبدالله است و برطرف شدن این مشکل مستلزم تشرف همگی آنها به دین مبین اسلام است».

• عباسی تنوریسین حزب الله که عنوان استادی دانشگاه را نیز دارد و در کلاس درس خود در دانشگاه کرج بازی فوتبال را آفت جامعه دینی نامیده است، در اشاره به بازیهای جام جهانی فوتبال که منجر به اخراج زین الدین زیدان قهرمان الجزایری تبار فرانسوی بجرم اهانت به حریف ایتالیایی خود شد: «این آدم کثیف بی اخلاق پلید مسلمان نما سالی ۵۸ میلیون دلار پول میگیرد و هنرش فقط این است که نود دقیقه در زمین

خوب بازی میکنند، یعنی عین یک گاو به سینه بازیکن مقابل می‌رود».

• علی خامنه‌ای «مقام معظم رهبری مسلمین جهان» در پیام ۱۵ مرداد ۱۳۸۵ (۶ اوت ۲۰۰۶) خود به جهان اسلام در اشاره به قربانیان دهکده قنای لبنان: «آن کودکان معصوم، آن تن‌های ضعیف و رنجور، آن دل‌های وحشت‌زده و کوچک به چه گناهی کشته شدند؟ دل‌های آتش گرفته مادران و پدران آنان چرا باید به دست صهیونیست‌های خونخوار و حامیان مست و مغرور آمریکایی آنها اینطور کباب می‌شود؟... دنیای مدعی تمدن و سازمان ملل و دولت‌ها و سازمان‌های مدعی حقوق بشر تا کی باید در برابر این فجایع خون‌سرد و بی‌تفاوت بمانند؟... مسئولان این سازمان‌ها به اندازه‌های مختلف در مؤاخذه و عقوبت عظیم الهی مسئول و شریک جرم هستند».

کیهان لندن در ارتباط با همین پیام، بنوبه خود می‌پرسد: «کودکان معصوم آن زندانیانی که در سیاهچال‌های سعید مرتضوی‌ها بسر می‌برند و کسی به دادشان نمی‌رسد، قربانیانی که در زندان اوین کشته می‌شوند و تن‌ها اجسادشان تحویل خانواده‌هایشان داده می‌شود، زنان و مردانی که در سلول‌های انفرادی ۸۵ زندان کشور می‌پوسند و ناله‌هایشان بی‌شنونده خاموش می‌شود به چه گناهی یتیم می‌شوند؟ تن‌های ضعیف و رنجور آنان چه جرمی را باید پس بدهند؟ دل‌های آتش گرفته آنها چرا باید به گناه مطالبه حقوق انسانی از جانب پدران و مادرانشان کباب شوند؟ چرا باید این کودکان گناه قانا‌های لبنان را پس بدهند، اما در قانا‌های کشور خودشان سرنوشتی تلخ‌تر از کودکان لبنانی داشته باشند؟ آیا مسئولان این سازمان‌ها به اندازه‌های مختلف در مؤاخذه و عقوبت عظیم الهی مسئول و شریک جرم نیستند؟»

• رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر بزم در جلسه ستاد بزرگداشت سال پیامبر اسلام (۱۰ شهریور ۱۳۸۵، اول سپتامبر ۲۰۰۶) بنا تفأخر اعلام داشته است که بدین مناسبت بزرگترین خشت جهان که خوشنویسان این اداره احادیث مربوط به آن بزرگوار را بر روی آن با خطی خوش ثبت کرده‌اند به مساحت ۳ متر در ۳ متر در محل در ورودی ارگ بزم در جوار ارگ قدیم این شهر که توسط کارشناسان پایگاه پژوهشی ارگ در

حال ساخته شدن است، در مهرماه امسال پرده برداری خواهد شد. یادآوری این واقعیت بیمورد نیست که از ششصد میلیون دلار کمک بین‌المللی و از بیش از صد میلیارد تومان کمک اعلام شده خود دولت، تاکنون نه ویرانه‌های بم بازسازی شده‌اند و نه نشانی از این بازسازی برای آینده وجود دارد، زیرا ظاهراً مسئولان «نظام» اطمینان یافته‌اند که رضایت خاطر پیامبر اسلام را با خوشنویسی خشت ۹ متری پیام و احادیث ایشان بیشتر تأمین می‌توان کرد. مردم زلزله‌زده نیز می‌توانند همچنان در زیر چادرهای خودشان باقی بمانند.

• محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری نظام ولایت مطلقه فقیه، در دیدار با جوانان برگزیده کشور در «روز جوان» (۱۴ شهریور ۱۳۵۵، ۵ سپتامبر ۲۰۰۶): «دانشجویان امروز کشور ما باید بر سر رئیس جمهوری خود فریاد بزنند که چرا استاد لیبرال و سکولار در دانشگاه حضور دارد؟^۱ رئیس بزرگوار دولت یا واقعاً نمیداند و یا عمداً تجاهر می‌کند که پس از «تصفیه» نوع استالینی که ۲۷ سال پیش توسط محمد علی رجائی وزیر آموزش و پرورش وقت در ساختار آموزشی مملکت صورت گرفت همواره رؤسای دانشگاهها و استادان آنها از طرف «نظام» و با نظارت و موافقت «نظام» برگزیده شده‌اند و هیچکدام از آنها استقلال و اجازه آنرا نداشته‌اند که به تأکید همین آقای رئیس جمهوری «در سیاست دخالت کنند»، هر چند که در صدر انقلاب بنیانگذار رژیم صریحاً اظهار نظر کرده بود که: «دخالت در سیاست حق مسلم و منطقی دانشگاه و دانشگاهیان است».

باز هم همین آقای رئیس جمهوری، «فاضلان» اظهار نظر میکنند که «نظام آموزشی ما ۱۵۰ سال است متأثر از نظام سکولار بوده است و استعمار نیز به دنبال تعمیم نظام مورد نظر خودش بوده است». این بار هم وی یا واقعاً نمیداند یا تجاهر می‌کند که نظام آموزشی ایران (که جز در دوران دو پادشاه پهلوی همواره در اختیار روحانیت قرار داشته) هیچوقت امکان

۱ - توضیح: مفهوم کلمه Secular که از لاتینی گرفته شده انتقال از حالت وابستگی به مذهب به حالت جدایی از مذهب است، بی‌آنکه این جدایی الزاماً مفهوم دوری از مذهب یا انکار مذهب را داشته باشد.

سکولار بودن نیافته است. تکیه بر رقم ۱۵۰ نیز تأکید بیموردی است زیرا از هیچ واقعیت تاریخی حکایت نمیکند. آنجایی که بی‌اطلاعی یا تجاهاً با مغلطه و با تعصب درمیآمیزد، وقتی است که این آقای رئیس جمهوری پای اولیاء و انبیاء را هم در پیش میکشد و آنچه را که صرفاً از واقعتهای محسوس و روزمره اجتماعی مایه میگیرد به خدا و مذهب و مسائل آنجهانی مربوط میکند که جز در مخیله خود ایشان و همکارانشان با هم ارتباطی ندارند.

• محمد باقر قالیباف شهردار تهران در مصاحبه مطبوعاتی: «شمار حاشیه‌نشینان تهران به ۳،۵ میلیون نفر رسیده است. افزایش رقم کودکان فراری و کودکان خیابانی و کارتن خواب‌ها همگی ناشی از همین حاشیه‌نشینی است زیرا جمعیت حاشیه‌نشین شهر تهران خودش به اندازه جمعیت یک شهر بزرگ یا حتی یک استان کشور است. کل جمعیت حاشیه‌نشین کشور در حال حاضر به ۶ میلیون نفر میرسد، یعنی تقریباً از هر ده ایرانی یک نفر حاشیه‌نشین است».

• به گزارش خبرگزاری مهر، دولت ایران تنها در سه ماهه اول امسال ۳ میلیارد و ۵۸۶ میلیون دلار از صندوق ذخیره ارزی کشور برای مصارف خود برداشت کرده است، در حالی که این رقم در مدت مشابه آن در سال گذشته از یک میلیارد دلار هم کمتر بوده است.

• موحدی معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی: «هم اکنون بین ۳۰٪ تا ۴۰٪ از صنایع داخلی کشور بخاطر نداشتن مشتری برای محصولاتشان بیکار مانده‌اند».

• بعد از گیر افتادن برادر رئیس پیشین سازمان قضائی نیروهای مسلح در هنگام جابجا کردن تریاک، داماد آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در یک ماجرای جابجایی دو تن تریاک بازداشت شده و بدین ترتیب پای علمای کرام هم در این بازرگانی سودآور باز شده است. در دفتر منطقه حفاظت شده صنعتی سلفچگان که مدتی ریاست آن با یکی از بستگان نزدیک آیت‌الله مسکینی بود مأموران یک کامیون جاسازی شده تریاک را برای حمل

به اروپا کشف کردند، ولی مسئول این تقلب باوجود میلیونها تومان اختلاس همچنان بر سر کارش باقی مانده است.

• عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بدین جهت که در دوران شهرداری محمود احمدی نژاد ۲۰۰ میلیارد تومان در شهرداری تهران اختلاس شده و بمصرف تبلیغات ریاست جمهوری رسیده است، و اضافه بر آن ۲ میلیارد دلار بدون حساب و سند از بانک مرکزی بیرون آورده شده است که سازمان برنامه قبولش ندارد، اعلام کرده‌اند که باید رئیس جمهوری در این دو موضوع مورد استیضاح قرار گیرد.

• براساس گزارش ۴۵۰ صفحه‌ای سازمان عفو بین‌الملل، کشور ایران پس از چین بالاترین رقم اعدام شدگان را در سراسر جهان دارد.

• گزارش سالانه سازمان ملل متحد: شماره کتابهای ترجمه شده در جهان اسلام و عرب جمعاً برابر یک پنجم کتابهایی است که سالانه تنها در کشور ده میلیون نفری یونان ترجمه و چاپ میشود.

• ناصر بریا مشاور رئیس جمهوری در امور روحانیون، در مصاحبه مطبوعاتی در شاهرود: صدور دستور آقای احمدی نژاد در خصوص ورود زنان به ورزشگاه‌ها باعث شد که از حمله امریکا به ایران جلوگیری شود.

• آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان در جلسه شهریورماه این مجلس: «حکومت ما تنها حکومت روی زمین است که با یک رشته مجکم به الله وصل است و از تمام جهات مورد تأیید و امضای معصومین قرار دارد. نظام ما متصل به الله است و نیروهای نظامی ما جندالله هستند و جوانان ما حزب‌الله و اکثریت ملت ما اولیاء الله».

• حجت‌الاسلام مصطفی نورمحمدی وزیر کشور: وضعیت اقتضا میکند که دولت و مردم خودشان را برای یک دوره ریاضت چهار ساله آماده کنند، چون این ریاضت برکات الهی برای ایشان دارد.

• آیت‌الله مظاهری رئیس حوزه علمیه اصفهان، در نشریه «یا الثارات»: «اگر پسرهای جوان لباسی بپوشند که مایه تحریک شهوت شود به نظر علما حرام است. وقتی که پسر جوانی با وضع جلف بیرون بیاید کم کم

- حیا و شرف او کمرنگ میشود».
- اداره بازرسی شهرداری تهران در گزارشی که اخیراً در اختیار اعضای شورای شهر و شهردار تهران گذاشته، تصریح کرده است که داود احمدی نژاد برادر بزرگ محمود احمدی نژاد که مجری طرح میدان نور تهران بوده است در این مورد تخلفی بیش از ۲ میلیارد تومان انجام داده است. وی هم اکنون رئیس دفتر بازرسی ریاست جمهوری است و وظیفه رسیدگی به تخلفات دیگر دستگاههای اجرائی را نیز بر عهده دارد.
- به گزارش خبرگزاری ایسنا، در حال حاضر بطور متوسط روزانه ۵۴ دختر ۱۶ تا ۲۵ ساله ایرانی در کراچی پاکستان خرید و فروش میشوند. محبوبه مقدم کارشناس ارشد پژوهشگری مطالعات زنان، در اجتماع روز جهانی زن اظهار داشت که کلیه گزارشها گویای دست اندرکاری افراد ذی نفوذ در گسترش فحشا است، زیرا باندهای قاچاق که دختران را با هواپیما به کشورهای جنوب خلیج فارس منتقل میکنند نمیتوانند این کار را بدون تسهیلات حکومتی انجام دهند. به اظهار وی تعداد دختران فراری در کشور دست کم به ۳۰۰ هزار نفر میرسد و قریب ۸۶٪ از دخترانی که برای نخستین بار فرار میکنند مورد سوء استفاده جنسی قرار میگیرند.
- در همین گزارش اظهار شده که در حال حاضر ۸ میلیون زن ایرانی در فقر مطلق بسر میبرند، و شماره جوانانی نیز که با مشکلات روانی دست بگریبانند ۱۴ میلیون نفر است که اکثر آنها دختر هستند.
- باز هم در همین قطعنامه ۱۱ ماده‌ای آمده است که نسبت خودکشی در ایران در مقایسه با بقیه کشورهای جهان در بالاترین رده‌هاست. رقم خودکشی کنندگان به سالانه ۷,۰۰۰ نفر بالغ میشود که در این مورد نیز زنان سهم بیشتر را دارند.
- آیت‌الله حائری شیرازی امام جمعه شیراز در خطبه نماز جمعه: «وضعیت بهره‌های سیستم بانکی در ایران و کلاه شرعی‌های آن طوری است که خودمان از بانکداری بدون ربا با بهره‌های دو رقمی خنده‌مان میگیرد».
- محمد هادی مهدوان کارشناس امور بانکی: در ده سال گذشته

۵,۵٪ چکهای صادر شده برگشت خورده است. در فاصله سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳ جمعاً ۵۰۵ میلیون چک صادر شده که ۲۷ میلیون از آنها بی محل بوده و رقم متوسط هر چک برگشتی ۱۳۰ هزار تومان بوده است. این رقم نزدیک به کل بودجه ۱۹۲ هزار میلیارد تومانی دولت در سال ۱۳۸۵ را تشکیل میدهد. کسانی که به جرم کشیدن چک بی محل روانه زندان شده‌اند پس از زندانیهای قاچاق مواد مخدر رده دوم را در کشور دارند.

• اعلام خطر ۵۰ تن از استادان اقتصاد دانشگاههای ایران در نامه‌ای به رئیس جمهوری در مورد سیاستهای اقتصادی دولت و تأثیر نامطلوب آنها در سرنوشت اقتصاد کشور: «روزی که قرار شود ادعاینامه‌ای علیه اشتباهات اقتصادی رژیم تهیه شود، خطاهائی که در امور اقتصادی انجام گرفته‌اند برشمرده خواهند شد، که در رأس آنها بی اعتبار کردن پول ملی است. دلاری که به بهای ۷۰ ریال خرید و فروش میشد امروز بیشتر از ۱,۰۰۰ برابر گرانتر شده است و عامل این ورشکستگی ملی سیاستهای تخریبی نظام جمهوری اسلامی است». واکنش محمودی احمدی نژاد: «هیچگونه شرایط غیرعادی در اقتصاد مملکت وجود ندارد. فقط یک مشت آدمی که خودشان را اقتصاددان میدانند به دروغ فریاد میزنند که در کشور گرانی وجود دارد».

• ۲,۰۰۰ میلیارد تومان (معادل ۲,۵ میلیارد دلار) از دو شعبه بانک ملی و بانک ملت در جزیره کیش بطور غیرقانونی برداشت شده است. محسن یکتا خدائی رئیس کل دادگستری هرمزگان با اعلام این خبر، از این پرونده به عنوان بزرگترین پرونده فساد در یک بانک کشور نام میبرد. این اختلاس که پرونده بیش از ۲۱ هزار میلیارد ریالی آن در دادگستری استان هرمزگان مطرح است، مهمترین سوء استفاده بانکی در ایران تا به امروز است.

• به گزارش دفتر اطلاع رسانی مرکز بین‌المللی پژوهش‌ها، ایران از نظر فساد اداری و مالی در میان ۱۳ کشور خاورمیانه چهارمین کشور بعد از عراق و فلسطین و یمن است. رتبه‌های پنجم تا دوازدهم را بترتیب لبنان، سوریه، عربستان، کویت، اردن، بحرین، قطر و امارات عربی متحده بر عهده دارند. سالمترین کشور منطقه سلطان نشین عمان شناخته شده است.

در کشورهای صنعتی حد متوسط رقم رشوه ۱۵٪ و در آسیای شرقی ۳۰٪ است. ۶۵٪ از مدیران مضاحبه شده در ایران اذعان کرده‌اند که برای گذراندن کارهایشان بطور منظم مجبور به پرداخت رشوه هستند.

• خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، به نقل از فتح الله امامی مجری طرح جامع کاهش آلودگی هوای تهران: «هر روز بطور متوسط ۲۷ تهرانی از آلودگی هوا میمیرند، بطوریکه در اوایل دسامبر ۲۰۰۵ دولت ناگزیر شد با اعلام وضعیت اضطراری تمامی مدارس و ادارات را تعطیل کند».

• حاج مهدی سراج انصاری در کتاب «شیعه چه میگوید» که در سال ۱۳۸۵ هجری قمری (۱۳۴۴ شمسی) در حوزه علمیه قم بچاپ رسیده است، با استناد به کتاب فرقه‌های شیعه موسی نوبختی: «پس از درگذشت امام یازدهم، شیعیان به ۱۴ تیره تقسیم شدند که تیره‌ای از آنان بر این عقیده بودند که ایشان (امام حسن عسکری) را اصولاً فرزندی نبوده است، و برخی دیگر برای ایشان دو فرزند به نام‌های محمد و موسی قائل بودند. فرقه‌ای تأکید داشتند که امام یازدهم همسر عقدی نداشته‌اند و جرجیس خاتون کنیز ایشان بوده است. در میان این ۱۴ فرقه فقط فرقه چهاردهم که شیعیان دوازده امامی هستند جانشین امام حسن عسکری را فرزند پنج ساله او از جرجیس خاتون همان مهدی موعود میدانند که با وفات پدر غیبت صغرای خود را آغاز کرده و بعد از هفتاد و چند سال در سال ۳۲۹ هجری به غیبت کبری رفته است که در طول آن حکومت عامه در دست راویان حدیث او است، و کلیه حکومت‌هایی که تحت نظر راویان حدیث اداره نشوند در هر منطقه از زمین و به هر اسم و رسمی که باشند باطل و غاصب و جابر شناخته میشوند و زمامداران آنها اعم از پادشاه یا رئیس جمهوری باید تحت ارباب دین باشند».

لازم به تذکر است که بیش از یکهزار و صد میلیون نفر اهل تسنن این جهان اسلام نه اصولاً وجود خود امام زمان را قبول دارند و نه مانیفست «سیاسی - مذهبی» حکومت مطلقه فقیه را که از «توقیع» نادیده امام غائب مایه میگیرد.

• پس از موفقیت استثنایی نمایشگاه مربوط به ایران هخامنشی در لندن، روزنامه ژاپنی آساهی شیمبون که پرتیراثرترین روزنامه سراسر جهان است، به اتفاق یک شرکت بزرگ فیلمسازی ژاپنی اقدام به تشکیل نمایشگاه مشابهی بنام «شکوه پارسی» در ژاپن کرد که روز دهم مردادماه گذشته (اول اوت ۲۰۰۶) بصورت یکی از بزرگترین نمایشگاههای فرهنگی ایران در خارج از کشور، در موزه متروپولیتن توکیو گشایش یافت. تبلیغات مربوط به شناساندن این نمایشگاه از حدود یکسال پیش توسط رسانه‌های گروهی ژاپنی (روزنامه‌ها، مجلات، شبکه‌های رادیو تلویزیونی) آغاز شده بود و پس از گشایش نمایشگاه نیز پوشش خبری توسط همین رسانه‌ها ادامه یافت. ولی همه این جریان از رسانه‌های گروهی خود ایران بدور ماند، بطوریکه دستگاه رادیو تلویزیونی دولتی صدا و سیما ایران حتی خبر گشایش و برگزاری این نمایشگاه را در هیچیک از بخشهای خبری متعدد خویش پخش نکرد، در حالیکه همین صدا و سیما یک دفتر منطقه‌ای در کوالالومپور پایتخت مالزی دارد که بموقع در جریان برگزاری نمایشگاه توکیو قرار گرفته بود. با این همه، به دعوت مؤسسه برگزارکننده نمایشگاه، مدیر موزه ملی ایران به همراه رئیس سازمان‌های میراث فرهنگی و گردشگری و معاون فرهنگی این سازمان در مراسم افتتاح آن حضور داشتند و خود رئیس موزه در بازگشت به ایران پذیرفت که متأسفانه تشکیل این نمایشگاه کمترین بازتاب را در داخل کشور نداشته است، در حالیکه امکان داشت با اعزام یک تیم حداقل پنج نفری از خبرنگاران این اشکال را مرتفع کرد. همین مدیر موزه ملی ایران اخیراً گزارش داد که دولت چین نیز بنوبه خود خواستار برگزاری نمایشگاه شکوه پارسی در محل «شهر ممنوعه» یا کاخ سلطنتی پیشین امپراتوران چین در شهر پکن شده است و مایه تأسف خواهد بود اگر این بار نیز از جانب رسانه‌های گروهی ایران این موضوع با سکوت و بی‌اعتنائی مواجه شود.

این موضوع یادآور برگزاری نمایشگاه بزرگ «شکوه ساسانیان» در موزه سلطنتی هنرهای بلژیک است که در آن بزرگترین موزه‌های جهان

(لوور، بریتیش میوزیوم، ارمیتاژ، موزه برلین، متروپولیتن نیویورک، موزه‌های توکیو و رم) شرکت کردند، ولی خود دولت ایران به دلیل اینکه هنر ساسانی را بعنوان هنر عصر جاهلیت هنری اصیل نمیداند از شرکت در آن خودداری کرد، و میرحسین موسوی نخست‌وزیر وقت در مقاله‌ای ادعا کرد که استعمار این افسانه را برای ایران پیش از اسلام سلاخته و پرداخته است تا فاجعه کربلا و شهادت حسین را کمرنگ کند.

• صاحب‌نظری بنام سیروس جلالی در هفته‌نامه کیهان مینویسد: ترکیب آیت‌الله و حزب‌الله با واقعیت‌های اسلامی همانقدر مضحک است که ترکیب «روسی - مذهبی»، و ترکیب «مجاهد - مارکسیستی»، و همانقدر بیمعنی است که ترکیب صبغه ناموسی و دمکراسی اسلامی. روشنفکر متفکری است که روشن‌گرا باشد و نه تاریک‌گرا و دارای دانش و بینشی باشد که نه مرعوب سیاست گردد و نه مرعوب دین، و فرق کله پاچه اسلامی را با کلیپاسه ولایتی بداند. اعلامیه حقوق بشر ارزشی است جهانشمول که نگهدارنده آزادی و هویت «فردی - خدائی» انسانها است و نمیتواند در زیر حاکمیت دین یا سیاست قرار گیرد. کلیدی است در دست هر فرد برای گشودن چاه هاویه و مبارزه با منفی‌گرایی. در کشور ما کورش بزرگ با اعلامیه حقوق بشر خود مظهر این برداشت بود. ولایتیسم که متون کتابها را به سود خودش تحریف و تعویض میکند و از «فرهنگ موهوم ایرانی» داد سخن میدهد نمیتواند نه سخنگوی کورش بزرگ باشد و نه سخنگوی حقوق بشر او.

• سرلشکر پاسدار محمد قالیباف، شهردار تهران: «با اینهمه درآمد ناشی از نفت نباید وضعیت اشتغال و بیکاری در کشور این باشد که هست. بیجهت تعارف میکنیم و به یکدیگر نان قرض میدهیم. با نگاهی به دنیا میتوانیم به این نتیجه برسیم که فرصتی برای حرف زدن نداریم. شهروندان تهرانی امروز از من برای خودشان و فرزندانشان کار میخواهند. ما نمیتوانیم فقیر باشیم و شعار مبارزه با امریکا را سردهیم. حقیقت این است که نزدیک به ۸۵٪ از زنانی که به تن فروشی مشغولند از روی بیکاری و فقر دست به این کار زده‌اند.»

• محمد نصر اصفهانی مفسر امور مذهبی سایت بازتاب: «حدود بیست سال قبل در یک مرکز تحقیقاتی حوزه علمیه قم به کتاب منتخب الاثر فی امام الثانی عشر تألیف آیت‌الله لطف‌الله گلپایگانی علاقمند شدم. در مطالعه این کتاب توجهم به باب نهم آن جلب شد که در آن نویسنده روایات مربوط به روز ظهور حضرت صاحب الزمان را جمع کرده و نه بجای روز جمعه روز شنبه را روز ظهور اعلام نموده است. هرچه زمان میگذشت، در برنامه‌های رادیو و تلویزیون و در نوشته‌های شاعران و نویسندگان و سخنرانی‌های وعاظ میشنیدم و میخواندم که امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه سخنرانی‌های وعاظ خواهد کرد، حساسیت و گاه ناراحتی‌ام بیشتر میشد که چرا یک موضوع تحقیق نشده اینقدر مشهور شده است. البته ممکن است گفته شود چه تفاوتی دارد که امام زمان جمعه ظهور کند یا شنبه، در صورتیکه اتفاقاً موضوع بسیار مهم است، چرا که اگر مطلب این چنین بدیهی بماند و مؤمنین هر روز جمعه منتظر ظهور باشند و پس از آن با ناامیدی تا هفته بعد در انتظار بمانند ولی روز شنبه مواجه با ظهور ایشان شوند آیا امام را انکار نخواهند کرد و نخواهند گفت این آدمی که روز شنبه ظهور کرده امام زمان نیست، چرا که امام زمان باید روز جمعه ظهور کند؟ در اینصورت مسئول این فاجعه بزرگ کیست؟ بیست سال تمام است من از این بابت سخت ناراحت هستم.»

• به گزارش سایت بازتاب اخیراً در شهر قم یک هیأت مذهبی به بهانه برپایی جشن نیمه شعبان اقدام به ساخت ماکت بین‌الحرمین و ضریح حضرت حسین و حضرت عباس کرده است و مردم به زیارت این ماکت و دخیل بستن به آن و ریختن پول به داخل ماکت تشویق میشوند و به دعا و نذر و نیاز میپردازند. پیش از این نیز ایادی آیت‌الله مصباح یزدی جعبه‌ای با چراغ‌های رنگارنگ در مسجد جمکران نصب کرده و مردم را با زیارت آن به عنوان نماد ظهور امام زمان تشویق میکردند، بطوریکه این موضوع حتی اعتراض عده‌ای از روحانیون قم را برانگیخت و مسئولین مسجد ناگزیر شدند جعبه را بردارند.

• کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد در گزارش «جذب سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۵ اعلام کرده است که سهم ایران در جذب بخشی از ۹۱۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاریهای خارجی در جهان تنها ۳۰ میلیون دلار یعنی یک شانزده هزارم آن بوده است. در میان کشورهای جهان، انگلستان با جذب ۱۶۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاریهای خارجی در مقام اول، امریکا با جذب ۹۹ میلیارد دلار در مقام دوم و چین با جذب ۷۲ میلیارد دلار در مقام سوم قرار گرفته‌اند. در میان کشورهای خاورمیانه، امارات عربی متحده با جذب ۱۲ میلیارد دلار، ترکیه با جذب ۹ میلیارد دلار و عربستان سعودی با جذب ۴٫۶ میلیارد دلار به ترتیب مقامهای اول تا سوم را دارند. ایران در این فهرست با وجود همه امکانات بالقوه خود در پایین‌ترین ردیف میان همه کشورهای این منطقه قرار گرفته است.

• شرکت دولتی نفت نروژ بنام استات اویل که از جانب یک دادگاه امریکایی بابت پرداخت پانزده میلیون دلار رشوه به یکی از مقامات ایرانی محکوم شده بود پذیرفت که برای بسته شدن پرونده این رشوه‌پردازی ۲۱ میلیون دلار جریمه پرداخت کند. طبق بیانیه‌ای که در پایتخت نروژ از جانب این شرکت انتشار یافت، اعلام شد که این پرداختها در دو نوبت در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به مهدی هاشمی پسر علی اکبر هاشمی رفسنجانی پرداخت شده است تا پدر او از نفوذ خود در رژیم دولتی ایران برای واگذاری فازهای ۶ و ۷ و ۸ میدان گازی پارس جنوبی به این شرکت نروژی استفاده کند. در سال ۲۰۰۳ پس از آنکه ماجرای پرداخت این رشوه توسط خبرگزاریها و مطبوعات بین‌المللی فاش شد، مجلس شورای اسلامی طرحی را برای رسیدگی بدین موضوع تصویب کرد و رئیس کمیسیون انرژی مجلس و معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی و هیأتی از کارشناسان برای تحقیق به نروژ رفتند، ولی چند هفته بعد کمیسیون تحقیق مجلس مهدی هاشمی رفسنجانی را از کلیه اتهامات وارده مبرا شناخت.

• سید حسن خمینی رئیس هیأت امنای پژوهشکده خمینی خطاب به رئیس و استادان و دانشجویان این پژوهشکده: «آیا ما در جامعه خودمان

برای فرمانبرداری از فرمانهای خداوند تعصبی یکسان نشان میدهیم؟ آیا برخورد با آدم دروغگو به همان اندازه برخورد با بانوان بدحجاب اهمیت دارد؟ آیا حساسیت ما نسبت به فقر در جامعه به همان اندازه حساسیتمان نسبت به موهای خانم‌ها است؟»

• احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه نگاران: «از من میپرسند واقعاً با جایی ارتباط داری؟ میگویم: بله، دارم، با خدا که به من الهام می‌فرستد. این رئیس جمهوری امریکا هم مثل من است، به او هم الهام میشود، منتهی از طرف شیطان. وقتی که من میگویم خدا برای ما معجزه می‌آفریند مرا مسخره میکنند. مگر حتماً باید در این قرن چهاردهم از دل کوه شتر بیرون بیاید تا قبول کنند معجزه را؟ مگر وجود امام خمینی خودش معجزه نبود؟»

• عزت‌الله ضرغامی مسئول رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی: «یا آقای رئیس جمهوری وقت نداشته است که برنامه‌های صدا و سیما را نگاه کند یا اینکه گزارش‌های ناقص به او میدهند. وقتیکه بهای رسمی هر کیلو گوشت ۳۹,۰۰۰ ریال است اما در بازار بیشتر از ۶۰,۰۰۰ ریال به فروش میرسد معنی آن تورم است. در نامه پنجاه تن از اقتصاددانان که در اوایل تیرماه انتشار یافت رشد تورم به علت سیاستهای اشتباه دولت آقای احمدی نژاد بیش از ۲۰٪ پیش‌بینی شده بود، ولسی درست همزمان با آن، خبرگزاری فرانسه از زبان احمدی نژاد مخابره کرد که: مسئله تورم در ایران ساخته و پرداخته مطبوعات و رسانه‌های خبری است و این موج تبلیغات ماههای گذشته است که شبیه تورم در کشور را به وجود آورده است. این رسانه‌ها سعی میکنند دولت را در مبارزه با تورم ناتوان نشان دهند. نه‌خیر، تورم همیشه وجود داشته است.»

• برخلاف ارقام رسمی دولت جمهوری اسلامی که تعداد مبتلایان به بیماری «ایدز» را در کشور ۱۲,۰۰۰ تن میدانند، گزارش سازمان ملل متحد تعداد افراد ناقل ویروس ایدز را در ایران ۶۶,۰۰۰ نفر اعلام کرده است. که از این عده ۱۱,۰۰۰ نفرشان زن هستند. بنا به همین گزارش تاکنون ۱,۶۰۰ نفر به دلیل ابتلا بدین بیماری جان خود را از دست داده‌اند.

ترازنامه دو انقلاب

انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، از هنگامیکه پوست عوض کرد و از عصیان سیاسی روشنفکران تبدیل به انقلاب مذهبی کسانی شد که به جاروکشی خمینی افتخار میکردند، و از همانوقت که رهبران «پیکار آزادی» جای خود را به کارگردانان مکتب «صغیران مادام‌العمری» سپردند، دیگر بجز مجموعه‌ای از واپسگراییها، تعصبها، کینه‌توزیها، ویرانگریها و زشتی‌ها نبود. و اگر هم واقعاً در آغاز کسانی با حسن‌نیت برای تحصیل آزادیهای بیشتر و حقوق فردی زیادتری قیام کرده بودند، این کوشش آنان خوش درخشیده بود ولی دولتی مستعجل بود، زیرا از آن هنگام که کار بالمره در دست روضه‌خوانها افتاد، دیگر این انقلاب منحصرأ انقلاب آخوند بود، و انقلاب آخوند همانقدر از آزادی بیگانه است که جن با بسم‌الله فاصله دارد.

انقلاب آخوند، آشکارا یک انقلاب کینه بود. انقلابی بود برای ویران کردن آنچه ساخته شده بود و آنچه ساخته میشد، و درست بهمین دلیل بود که این انقلاب خود را نیازمند رهبری مدافعان حقوق بشر نیافت، نیازمند رهبری کسانی یافت که مظهر مجسم عقده‌ها و کینه‌توزیهای او باشند، و آن کسی را به «رهبری کبیر» خود برگزید که از میان تمام عواطف انسانی تنها با حس کینه‌توزی آشنا بود.

اتفاقاً آزمایشهای فراوان گذشته نشان داده بود که هیچ نیرویی برای برانگیختن توده‌ها به انقلابهایی از نوع انقلاب ایران، کارآتر از همین عامل کینه نیست. این «قانون انقلابی» را پیش از این آدولف هیتلر، در گفتگوی بی‌پرده‌ای با یکی از نزدیکانش بنام هرمان راوشنینگ که بعداً در کتابی بنام «هیتلر به من گفت» پرده از آنها برداشت، به روشنی متذکر شده بود:

«جماعت حیوان غول‌پیکری است که تنها از غرائز خودش پیروی میکند، و کارآمدترین این غرائز، حس کینه و نفرت است. راز پیروزی من در همین است که میتوانم تعصب توده‌ها را برانگیزم تا آنانرا به آسانی در خدمت خواسته‌های خودم بکار گیرم و در عوض آنها نیز بی هیچ تردیدی از

دستورالعمل‌ها و شعارهایی که من بدانان می‌دهم پیروی کنند. اصل این است که در گفتگو با جماعت جایی برای منطق وجود ندارد.

و باز گفت: «تبوغ یک رهبر در این است که بتواند همهٔ نفرتها و کینه‌ها را در وجود یک دشمن واحد متمرکز کند».

از هیتلر پرسیدم: آیا عقیده دارید که باید تمام یهودیان نابود شوند؟ جواب داد: نه، زیرا در آنصورت برای برانگیختن احساس کینه توزی در مردم، میبایست دوباره ب فکر اختراع آنها بیفتیم»!

پیش از او Montaigne متفکر و فیلسوف نامی فرانسه، در کتاب Essais در همین باره نوشته بود: «وقتی که روح کینه و نفرت گرایشهای کسان را به تعصب، بیرحمی، عصیان و ویرانگری برانگیزد، نیرویی پدید می‌آید که غالباً هیچ چیز قدرت پایداری در برابر آنرا ندارد».

ترازنامه «انقلاب شکوهمند اسلامی» سال ۱۳۵۷ ترازنامه یکی از بی شکوه ترین انقلاب های تاریخ جهان است. ترازنامه دروغ و ریا است. ترازنامه ای است از وعده های زیبا و از دستاوردهای زشت، از مجموعه ای از اغراض خصوصی، فرصت طلبیها، ابن الوقتی ها، حسابگریها، که در قالب شعارهایی پرطنین ولی بی محتوا ارائه شد. ترازنامه یک شرکت سهامی فریب است که بنام آزادی و قانون و عدالت تأسیس شد، ولی سرمایه آن منحصرأ در معاملات چپاولگرانه سهامداران و سرمایه گذاران آن بکار گرفته شد.

بازنده بزرگ در این سودا اینان نبودند، همه ملت ایران بود. «دلالتان مظلومه» همچون زن ابولهب فقط آتش بیار معرکه بودند، و آنکه همه هستیش در این آتش سوخت. کشور این آتش بیاران بود. در این دلالتی مظلومه، آنان که همه دستاوردهای سیاسی و اقتصادی و دار و نندار مادی ملت ایران را تحویل شرکت‌های چندملیتی دادند نقش دزدان نیمه شب را ایفا کردند، و آنانکه عروس زیبای فرهنگ ایران را دست بسته به آخوند

۱ - Hermann Rauschning در کتاب Hitler speaks، چاپ نیویورک، ۱۹۴۰، ص ۱۷۲.

سپردند نقش جاکشان را. و متأسفانه در ضوابط اقتصادی جهان زور و زر هیچیک از این دو تازگی نداشت.

راهگشایان اهریمن، دانسته یا ندانسته، خواسته یا ناخواسته، به اشتباه یا با قصد خیانت، کشوری را که در مسابقه سازندگی و آینده‌نگری موفق‌ترین کشور جهان سوم بود، از میدان مسابقه بالمره بیرون راندند. امروز دیگر این مملکتی که در صحنه جهانی وزنه‌ای سنگین شده بود، جز بصورت یک کانون حماقت و جنایت جایی برای خود ندارد. حتی بسیاری از کشورهایی که در صفوف خیلی عقب‌تر این مسابقه قرار داشتند اکنون از آن فراوان فاصله گرفته‌اند. نباید ناگفته گذاشت که انقلابیون راه امام در حاشیه این انگیزه کینه‌توزی، از انگیزه مؤثر دیگری نیز برخوردار بودند که چندان هم ایثارگرانه نبود، و آن امید تحقق وعده‌هایی بود که با گشاده دستی بدانان داده شده بود. قرار بود به محض پیروزی انقلاب، آب و برق و اتوبوس و نفت و خانه به رایگان در اختیار «ایثارگران» گذاشته شود و روزی هشتاد تومان پول دستی نیز بین هر خانواده توزیع شود، بطوریکه تا مدتی همشیره‌های خانه‌دار هر روز صبح از کدبانوان همسایه خود جویا میشدند که بالاخره جیره نقدی خود را دریافت داشته‌اند یا خیر؟

ایران و اسلام، ارزیابی‌هایی از پژوهشگران

گروهی از استادان و دبیران ایران طی نامه‌ای به رئیس جمهوری هشدار داده‌اند که کتابهای درسی - که دانشجویان میبایند از روی آنها در امتحانات پاسخ دهند - براساس برداشتهایی از تاریخ و فرهنگ ایران تنظیم شده‌اند که با واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی کشور تطبیق نمیکنند و بهمین جهت دانشجویان یا میباید با همین برداشتهای غلط وارد زندگی اجتماعی شوند و یا با توجه به ناروا بودن آنها بازی دوگانه بکنند و راه دروغگویی را در پیش بگیرند. از جمله این برداشتهای غلط کوشش در تخطئه تاریخ پیش از اسلام این کشور و مفاخر ملی و فرهنگی آن، و تلقین این افسانه است که مفاخر واقعی ایران از زمان یورش اعراب بدین کشور با هدف به ارمغان آوردن آیین اسلام برای مردم این سرزمین آغاز شده‌اند، و تأکید نهادن بر اینکه ایرانیان بنا آغوش باز به استقبال پیام‌آوران و نجات‌بخشان خویش رفتند.

با اینهمه، تحلیل‌ها و ارزیابی‌های کلیه پژوهشگران عصر روشنگری حاکی از این است که تصرف ایران و اشغال آن از جانب تازیان بهیچوجه با چنین انگیزه‌ای و در چنین شرایطی انجام نگرفته است و تفاوت میان آنچه واقعاً در این راستا گذشته است با آنچه دانشجوی ایرانی در کتابهای درسی خود میخواند و میباید پاسخگوی آن باشد به اندازه تفاوتی است که میان افسانه و واقعیت وجود دارد. نمونه‌هایی چند از این ارزیابی‌های پژوهشگران عصر روشنگری را در چند صفحه آینده خواهید خواند، ولی برای آگاهی خیلی بیشتر میباید به کتاب پس از هزار و چهار صد سال خود من که بیش از یکصد صفحه آن بدین موضوع اختصاص یافته است مراجعه کنید:

خانه و دزد

در آغاز قرن گذشته، Clément Huart مورخ و محقق نامی فرانسه در «تاریخ اعراب» خود چکیده بررسی‌های پژوهشگران اروپایی قرن نوزدهم را

در زمینه سقوط شاهنشاهی ساسانی بدست تازیان، چنین خلاصه کرد: «تصرف امپراتوری بزرگ ساسانی توسط اعراب در اجرای طرح حساب شده و از پیش بررسی شده ای صورت نگرفت، بلکه به صورت یک شبیخون کلاسیک و با هدف سنتی غارتگری و غنیمت گیری آغاز شد، و فقط موفقیت مافوق انتظار این شبیخون ها بود که کارگردانان آنها را به عملیات گسترده تر و بکار گرفتن نیروهایی بیشتر تشویق کرد. به عبارت دیگر باز بودن در خانه بود که دزد را به درون آن خواند.»

ارتشی که دستگاه خلافت به حیره فرستاده بود، در بخش اعظم خود از اعرابی تشکیل شده بود که اصولاً مسلمان نبودند و طبعاً نفعی در جنگیدن بخاطر اسلام نیز نداشتند. مثنی ابن حارث الشیبانی، رهبر قبیله راهزن بنی دائل که با شبیخون های گاه بگاه خود به سرزمینهای ایرانی مجاور شهرتی در این زمینه بدست آورده بود از ابوبکر خواست که این بار برای او مأموریتی رسمی از جانب حکومت مدینه قائل شود، با این امید که فرماندهی این مأموریت به خود او واگذار شود، ولی ابوبکر با قبول این خواست خالد بن ولید را به نمایندگی قانونی خلافت برای نظارت بر این عملیات راهزنی و غنیمت گیری به حیره فرستاد.

سهمی از غنائم حاصله که به مدینه فرستاده شد، اولین بخش از غنایمی بود که میبایست بعداً از سراسر ایران به بیت المال مسلمانان سرازیر شود. و درست همین سلسله قدم بقدم شبیخون ها و غنیمت گیریها بود که به رویارویی بسیار بزرگتری بنام قادسیه منتهی شد.»

ارزیابی پژوهشگر فرانسوی در همه سالهای بعدی قرن بیستم از جانب محققان غربی دیگری که در همین زمینه بررسی کرده اند مورد تأیید قرار گرفت. مهمترین این ارزیابی ها، نتیجه گیری لئون کائتانی در بررسی مشروح او در جلدهای دوم و سوم سالنامه های اسلام است:

«فکر تجاوز به ایران از مدینه نیامد، بلکه از جانب اعرابی آمد که از سالها پیش در مرزهای این امپراتوری میزیستند. خلیفه خالد بن ولید را فقط

بدین دلیل نزد آنان فرستاد که از یکسو قدرت خلافت را، ولو بصورت ظاهر، تثبیت کرده باشد، و از سوی دیگر پرداخت سهم حکومت مرکزی از محل غنائمی که ممکن بود بدست آید تضمین شود، ولی بیش از این نمیتوانست کاری انجام دهد، زیرا در غیر اینصورت امکان اداره بادیه نشینانی را که تنها بدنبال کسب غنیمت بودند نمییافت. از جانب دیگر اعراب بدوی نیز ترجیح میدادند که در عملیات غارتگرانه آینده خود از مشروعیتی که خلافت بدانها میداد برخوردار باشند تا اینکه صرفاً بصورت راهزنانی اقدام کنند. ترکیب منافع سیاسی حکومت مدینه و منافع مادی اعراب بدوی، خواه ناخواه دستگاه خلافت اسلامی را به جنگ با امپراتوری ساسانی کشانید. با اینهمه تأکید قاطع بر این واقعیت ضروری است که نه دستگاه خلافت و نه بادیه نشینان عرب هیچکدام برنامه ای برای جهانگشایی نداشتند، و تنها چیزی که مورد نظرشان بود حمله ای غارتگرانه از نوع شبیخون های همیشگی قبایل عرب، منتها این بار سازمان یافته تر و در ابعادی گسترده تر بود.^۱

در معروفترین اثر تحقیقی بعد از سالنامه های اسلام کائتانی یعنی در «تاریخ اعراب»، Ph.K. Hitti مورخ عرب و استاد دانشگاه کلمبیا بنوبه خود بررسیهای خودش را در این دو جمله کوتاه خلاصه میکند که «هدف واقعی اعراب از حمله به ایران، دست کم در دوران دو خلیفه اول، غارت و غنیمت بود و نه براندازی شاهنشاهی ایران، و بعد از آن نیز این هدف تبدیل به استقرار پایدار عرب در ایران برای بهره گیری مادی شد و در هر دو مورد مسئله مذهبی سهم پائین تری از اهمیت را داشت».^۲

مورخان اسلامی، خودشان به صورتهای مختلف بر این واقعیت تأکید نهاده‌اند:

«در جنگ جلولا بر اثر پایداری سخت ایرانیان چندان از آنان کشته شدند که اجسادشان نیمه دشت را بیوشانید، و از این رو بود که این جنگ

۱ - Leone Caetani در Annali dell' Islam، ج ۲، ص ۹۳۰ به بعد.

۲ - P.K. Hitti در History of the Arabs، ص ۱۴۳.

جلولاء (پوشیده) نام گرفت»^۱ و در ادامه آمده است: «شمار مردان و زنان و مخصوصاً نوجوانانی که پس از جنگ جلولاء به اسیری درآمدند و برای فروش به بازارهای برده‌فروشان مکه و مدینه فرستاده شدند چندان زیاد بود که خلیفه عمر نگران شد و گفت: خدایا، از شر فرزندان جلولاء، به تو پناه میبرم»^۲. سعید نفیسی در تاریخ اجتماعی خود براساس مدارک مختلف این رقم را ۱۳۰ هزار نفر برآورد کرده است.

«از جمله غنائمی که سعدبن ابی وقاص در مدائن (تیسفون) بدست آورد فرشی بود ابریشمین به مساحت ۶۰ گز در ۶۰ گز، مرصع به زمرد و بلور و یاقوت سرخ و یاقوت کبود، و میوه‌ها از گوهرهای آبدار، و آنرا بهارستان نام بود. سعدبن ابی وقاص چون از قیمت گذاری این فرش عاجز ماند آنرا بر اموال خمس اضافه کرد و به مدینه فرستاد، و بابت بقیه غنائم هر سواری را ۱۲۰,۰۰۰ درهم حاصل آمد. چون اموال خمس به مدینه رسید امیرالمؤمنین عمر فرمود تا فرش را قطعه قطعه کردند، و قطعه‌ای از آن که نصیب علی ابن ابیطالب شد توسط آن جناب به ۲۰,۰۰۰ درهم بفروش رسید»^۳. نکته جالبی که فیشر محقق آلمانی در این مورد متذکر شده این است که در گزارش ازسالی سعد ابن ابی وقاص برای خلیفه عمر از ماجرای فتح تیسفون، از همه چیز سخن رفته است بجز موضوع تنفیذ اسلام در میان ایرانیان، چنانکه گویی اساساً این موضوع در برنامه کار اعراب مهاجم جایی نداشته است^۴. تیسفون به مدت چند روز پیاپی غارت شد، و ساکنان آن بنا کشته شدند و یا به عنوان برده به عربستان فرستاده شدند. بهای غنائم را مسعودی در مروج‌الذهب دو هزار کرور (یک میلیارد) درهم و پتروشفسکی در کتاب اسلام در ایران «زیاده بر نهصد میلیون درهم» برآورد کرده‌اند.

۱- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۸۰۲، فتوح البلدان، ص ۶۵
۲- اخبار الطوال، ص ۱۲۱.
۳- حبیب‌السیر، ج ۱، ص ۴۸۱.
۴- K.R. Fischler در کتاب Aischa, Muhammads Lieblingsfrau

«دلیلی در دست نیست که محمد به جهانگشایی بنا شمشیر وصیت کرده باشد. بسیاری از صاحبنظران بر این عقیده‌اند که این سیستم خلافت بود که اصل موعظه حسنه را به کشتار و غارت تبدیل کرد. این انحراف بنا هجرت محمد از مکه به مدینه صورت نگرفت، بلکه پس از وفات او صورت گرفت.» (Th. Nöldeke در کتاب Die tradition über das Leben Muhammads).

«لشگریانی که پیروزمندان از جنگهای «رده» بازگشته بودند پیوسته خواهان غنائم بیشتری بودند، و ابوبکر از این بابت با مشکلی مواجه بود که اساس قدرت او را مورد تهدید قرار میداد. تنش در عربستان به اوج خود رسیده بود، و تردیدی نبود که اگر خلیفه از لژیون های پیروز خویش میخواست که سلاحهایشان را کنار گذارند و به مشاغل پیشین خود بازگردند خود را با خطر زدوخوردهای شدید داخلی روبرو میساخت، زیرا بیش از نیمی از افراد خلافت اسلامی او در آن هنگام از قبایلی تشکیل میشدند که هنوز سرپایشان از جنگهای رده خونین بود، و سنگینی یوغ حکمفرمایی فاتحان را در گرماگرم دوران شکست عمیقاً احساس میکردند. فرستادن این عناصر خطرناک به بیرون از مرزهای شبه جزیره عربستان و مشغول داشتن آنان به تلاشی که انتظار میرفت هم آسان و هم پربرکت باشد و بخصوص غنائم بسیار نصیبشان کند، و از این راه احساس تحقیر ناشی از شکست را از یادشان ببرد، بهترین راه حلی بود که در برابر خلیفه قرار داشت. نتیجه این شد که هم مسلمانان قدیمی و هم نومسلمانان مصلحتی، صرفاً به دلایلی اقتصادی عقده ها و خرده حسابهای دیرینه با یکدیگر را کنار گذاشتند و با کشت مقاومت ناپذیر جنگ و غارت به همدیگر پیوستند. قبول اسلام از جانب این نورسیدگان مطلقاً گرایشی مذهبی به مفهوم سنتی آن نبود، توافقی «نظامی - سیاسی» در راه اجرای برنامه غنیمت گیری بود.» (J. Wellhausen در کتاب Das Arabische Reich und seine Sturz).

«سلسله فتوحات با شبیخون هایی ساده و بدون اندیشه جهانگشایی

اسلامی، توسط اعرابی آغاز شد که ما به خطا آنانرا رزمندگان اسلام میخوانیم، زیرا در آن هنگام بخش اعظم این رزمندگان هنوز در بت پرستی پیشین خود پابرجا بودند. در باره ترکیب سپاهیان خالد بن ولید اطلاعات ما چندان زیاد نیست، ولی کلیه اسناد موجود نشان میدهند که شمار مسلمانان اصیل، یعنی آنهایی که همراه خالد از مدینه آمده بودند در این سپاه بسیار محدود بود، بطوریکه حتی ده درصد از مجموع نفرات را نیز شامل نمیشد. این نیز مسلم است که اگر اینان از آشفتگی فراگیری که در آن زمان بر شاهنشاهی ساسانی حکمفرما بود به حد کافی آگاهی داشتند حمله بزرگ خود را برای غنیمت ستانی همانوقت آغاز میکردند و سه سال در انتظار نمیماندند. این سه سال شاید میتواندست برای این امپراتوری در حال زوال فرصتی مساعد جهت آمادگی و بسیج باشد، زیرا روی کار آمدن یزدگرد سوم در همین زمان، نشان میداد که سرانجام طبقات مسخ شده اشراف و روحانیت به ضرورت جستجوی یک راه حل نجات بخش برای کشور بیمار خود پی برده بودند، ولی از دیدگاه واقع بینی فرصت بکلی از دست رفته بود و نیروی حیاتی بیمار به چنان تباهی کشیده شده بود که دیگر امیدی برای نوسدارو نمانده بود». (Sir William Muir در کتاب The Life of Mahomet).

«رهبری اسلامی محمد با آنکه بصورت یک رفرم مذهبی آغاز شده بود در جریان عمل به صورت یک حکومت عمدتاً سیاسی در آمد. قبایلی که اکثرأ با جنگ و بخشی از آنان نیز به خاطر فرصت طلبی و بهره گیری از شرایط تازه به جبهه مسلمانان پیوسته بودند هیچگونه احساس مذهبی نداشتند و اصولاً نسبت به هر نوع انگیزه دینی بی تفاوت بودند، بخصوص هیچ نشانی از آنچه امروز از جانب ما fanaticisme نام گرفته است در نزد آنها دیده نمیشد. آن مورخان معاصر که اعراب بادیه نشین فاتح جنگ با ایرانیان یا بیزانسی ها را متعصبانی مذهبی معرفی میکنند که بخاطر شور و ایمانشان خود را بی محابا به آغوش مرگ می افکندند، نوع احساساتی را که خاص ناسیونالیسم ها و ایدئولوژی های امروزی است به قرن اول هجری و به بادیه نشینان آنروز عربستان منتقل میکنند بی آنکه

شرایط فکری و اجتماعی این جوامع را در سیزده قرن پیش در نظر بگیرند. جنگجویان عرب که فتوحات اسلامی را آغاز کردند تقریباً بطور انحصاری از بدویانی تشکیل شده بودند که در دوران زد و خوردهای خونین رده به قبایل شکست خورده تعلق داشتند و پس از شکست خود در برابر نیروهای اعزامی حکومت مدینه بطور داوطلبانه در سپاهی که این حکومت برای جنگ در بیرون از مرزهای عربستان گردآوری میکرد عضویت جستند. چنین افرادی که تا چند ماه پیش از آن علیه اسلام جنگیده بودند نمیتوانستند یک شبه تبدیل به سلحشوران از جان گذشته آیین تازه شده باشند. آنچه واقعاً آنان را به شرکت در جنگهای تازه تهاجمی برمی انگیزخت عشق به غارت و غنیمت بود که این بار مجوزی شرعی نیز دریافت داشته بود.» (R. Döllinger در کتاب Muhammad's Religion).

«بیگمان در جمع مسلمانان کسانی هم بودند که یا از روی احساسی مذهبی و یا بخاطر کشش عاطفی نسبت به شخص پیامبر در مقام پیشوا و مراد محبوبشان در خط یک گرایش مذهبی قرار داشتند، ولی اینان اقلیت محدودی را تشکیل میدادند در شرایطی که به نوشته ابن سعد تازیان در هنگام فتح ابله در نزدیکی بصره آن اندازه غنائم بدست آوردند که به سگهای خود نیز در ظرفهای زرین و سیمین غذا میخورانیدند. خواننده گزارش این تاراج ها، از آگاهی بر اندازه ثروت‌های هنکفتی که این جنگجویان وارسته میان خود تقسیم کردند و آنچه در دهه سوم تاریخ اسلام نصیب پرهیزکاران درجه اول این آیین گردید سرگیجه میگیرد. اینان املاک وسیع و روستاهای بزرگ را به مالکیت خویش درآوردند، چه در سرزمین خود و چه در کشورهای گشوده شده از برای خویش خانه های مجلل ساختند و همه گونه وسیله خوشگذرانی را برای خود گرد آوردند. آنچه از چپاولهای زمان جنگ و مواجب زمان صلح به جنگجویان و مؤمنین رسید بدیشان اجازه گردآوری چنین دارایی های بزرگ را میداد، چنانکه به هر سوار از سربازان عبدالله بن ابی السرح در جنگهای افریقای شمالی به

روزگار خلافت عثمان سه هزار مثقال زر ناب رسید.
برترین انگیزه ای که تازیان را به گشودن کشورها برانگیخت، آزمندی
مادی بود که ابن سعد نمونه های متعددی از آنرا در «طبقات» خویش ارائه
کرده است. این درست با وضع اقتصادی عربستان نیز ارتباط داشت که
مردمش را به مهاجرت از سرزمین خشکی زده خود و راه یافتن به
سرزمینهای حاصلخیز همسایه فرامیخواند. تازیان از آن جهت به دین نوین
روی خوش نشان دادند که بتوانند آنرا وسیله پیروزیهای قرار دهند که نیاز
اقتصادی آنان آنها را ایجاب میکرد. بدین ترتیب آن تحول ناگهانی که امور
اسلام به سبب آن رنگ نوینی بخود گرفت، موجب شد که دین تازه از همان
آغاز اندیشه پارسایی و قناعت را که در بدو کار راه و روش خود شناخته بود
به دور افکند و در عوض رو به امتیازات دنیایی و آرزوهای مادی بیاورد که
خیلی بهتر میتوانستند شور همکاری را در پخش آیین محمدی برانگیزانند،
تا آنجا که از همان دوره بعد از محمد گفته شد که در زمان پیامبر ما تنها به
فکر آخرت بودیم و چندان به دنیا نمی اندیشیدیم، اما امروز دنیا نیز به
اندازه آخرت ما را به خود کشیده است. آن گنج ها که از کشورگشایی ها و
غارت ها انباشته میشد دیگر برای آن فراهم نمیشد که در راه خدا صرف
شود، بلکه کشورگشایان در درجه اول دارایی های سرشاری را که به
سویشان سرازیر شده بود برای خوشگذرانی خودشان و نه برای آخرت
میخواستند، از سهل شوستری صوفی نام آور نقل کرده اند که «نادرست
است که آدمی زهد را در دوری از زنان بجوید، زیرا که پیشوای نیایشگران
پیامبر بود که خودش زنان را بسیار دوست میداشت»، و از پارسای بزرگ
عبدالقادر گیلانی مثال آورده میشد که او را ۹۴ فرزند بود. عبدالوهاب
شعرانی ثواب مجامعت را با نماز خواندن برابر میدانست و طبقات ابن سعد
دعای آن پارسایی را در خانه کعبه نقل میکرد که از خداوند میخواست به
وی توانایی آن دهد که صبح تا شام قرآن بخواند و شام تا صبح با زنان
مقاربت کند». (I. Goldziher در کتاب (Vorlesungen über den Islam).

«کوشش فرماندهانی که به چهار سوی جهان گسیل شدند تا پرچم دولت اسلامی را برافرازند، در درجه اول متوجه مقرراتی بود که بر قدرت دولت می افزود و به نام مذهب اجازه چاپیدن آنچه را که با شمشیر به نفع قوم عرب گرفته شده بود بدانها میداد. اینان در مسائل مورد اختلاف به هر نوع که مصلحتشان اقتضا میکرد عمل میکردند و نه به آنچه الزاماً با مذهب سازگار میآمد، چنانکه به نوشته الموطا فتاوی فرمایشی عبدالملک و دیگر خلفای اموی را بر فتاوی خلفای راشدین مرجح میشناختند.» (H.A.R. Gibb در کتاب Studies on the Civilization of Islam).

«با سرکوبی رده، عصیان قبایل عرب در برابر خلافت فروکش کرده بود، ولی افراد این قبایل همچنان ناراضی و خشمگین باقی مانده بودند. بیابان نشینان بدوی میخواستند مانند گذشته آزادانه در صحراهای پهناور و بی در و پیکر خود رفت و آمد کنند و اندیشه اطاعت از حکومت مدینه و بخصوص پرداخت مالیات بدین حکومت مورد نفرتشان بود. آنچه اینان را با خلافت مربوط نگاه میداشت ترس از قدرت نظامی آن بود. پاسخ این سئوال که آیا ایمان اسلامی و ارزشهای آن میتوانند وزنه متقابلی در برابر این ناراضی ها بشمار آیند چندان امید بخش نبود، زیرا مسلم بود که گرایش مذهبی سست این بادیه نشینان در کوتاه زمانی از میان خواهد رفت و زور و ترس نیز مدت زیادی نخواهند توانست این قبایل پراکنده شبه جزیره عربستان را که تا آن زمان پیوسته جدا از یکدیگر زیسته بودند بصورت ملت واحدی بیکدیگر پیوند دهند. عربستان فقیر جنوبی نسبت به شمال ثروتمند حسادت میورزید. بدویان بیابانگرد از شهرنشینان متنفر بودند. هر قبیله ای با دیگر قبایل همسایه خود سابقه رقابت ها و دشمنی های دیرینه ای را داشت که در گذشته همواره با قانون خون و قصاص حل و فصل میشد، و با پاگرفتن اسلام حسادتها و خصومت های متقابل مکه با عرب های جنوبی ساکن آن و مدینه با عرب های شمالی بر این همه افزوده شده بود. حتی در خود دارالایمان مدینه قبیله اوس با قبیله خزرج و هر دوی آنها با انصار ناسازگاری داشتند. در همه احوال، تنهائی قدرتی که

یک بدوی می‌توانست - و آنها هم تا حد محدودی - وجود آنها بر بالای سر خود بپذیرد قدرت رئیس قبیله خودش بود. برای او آزادی مرادف با زندگی بود و در عوض هیچ چیز برایش تحمل ناپذیرتر از فرمانبرداری از یک قدرت مرکزی نبود. در چنین شرایطی مسلم بود که اگر هیچ عامل برونی تازه ای پا به میدان نگذارد، این بدویان سرکوب شده خیلی زود یوغ اسلام را بدور خواهند افکند و عربستان به وضع پیشین خود باز خواهد گشت. از خوشبختی اسلام، کوتاه مدتی پس از پایان جنگهای رده این عامل برونی بصورت دورنمای فکری تازه ای سراسر عربستان متحد شده را تکان داد و بدان نیروی ناشناخته ای بخشید، زیرا نخست در کلبه و سپس در سوریه برخورد قبایل برونمرزی عرب با نیروهای مرزی ایران و بیزانس نخستین جرقه های یک جنگ خارجی را برافروخت، و مقدمه ای بر این شد که سراسر عربستان، اعم از شهرنشینان و بدویان آن با جهشی یکپارچه و با انگیزه مشترک غارت و غنیمت، منتها این بار بنام اسلام، بجانب ثروتهای بیحساب دو امپراتوری بزرگ ایران و روم سرازیر شوند.

این جنگهای برونمرزی در مراحل نخستین درست توسط همان بدویانی انجام گرفت که تا چندی پیش از آن جنگجویان اصلی «رده» ضداسلامی بودند. بدین ترتیب بود که موجی از پس موجی دیگر از نفرات قبائل همراه با زنان و فرزندانشان سرزمین های آبا و اجدادی خود را برای شرکت در جنگها ترک گفتند و در اشتیاق غنیمت گیری به سوی شرق و غرب سرازیر شدند.

(D.S. Margoliouth در کتاب Mohammed and the Rise of Islam)

«برداشتهای مذهب گرایانه مورخان مسلمان از جهانگشایی اسلامی، آنطور که آنها را در تواریخ و منابع عربی منعکس میتوان دید، میکوشند تا فتوحات مسلمانان صدر اسلام را کاملاً یا عمدتاً مبتنی بر انگیزه های مذهبی وانمود کنند و به انگیزه های اقتصادی در آنها جایی ندهند. بسیاری از مسیحیان نیز در طول قرون جنگجویان عرب صدر اسلامی را مسلمانانی توصیف کرده اند که در یکدست قرآن و در دستی دیگر شمشیر داشته اند. با اینهمه، از همان آغاز درک مشترک همه «اهل کتاب» یعنی مسیحیان و یهودیانی که در بیرون از شبه

جزیره عربستان میزیستند، این بود که برای این رزمندگان عرب میان قرآن و شمشیر انتخاب ثالث بسیار مطلوبتری نیز وجود داشته و آن جاذبه «غنیمت» بوده است، بخصوص وقتی که این تحصیل غنیمت نه تنها بصورت اجازه ای، بلکه بصورت حقی مشروع برای آنان منظور شده باشد. واقعیت این است که آنچه اغراب بدوی را - که اکثریت سلحشوران عرب از میان آنها دستچین شدند - از بادیه های بی آب و علفشان به اراضی سرسبز و حاصلخیز بیرون عربستان کشانید بسیار بیشتر از تعصب مذهبی انگیزه های مادی بود. دورنمای زندگی بهتری در دنیایی دیگر بیگمان برای کسانی از آنان دورنمایی پرجاذبه بود، ولی برای بسیاری دیگر برخورداری از تنعمات و تجملات سرزمینهای متمدن و ثروتمند «هلال خضیب» در همین دنیا جاذبه خیلی بیشتری داشت. این عامل اقتصادی در ارزیابی های مربوط به عوامل مختلف جهانگشایی اسلامی، که در دوران معاصر از جانب محققانی بسیار سرشناس چون کائتانی و بکر بصورت گسترده ای مورد تحلیل قرار گرفته است، برای خود تاریخ نویسندگان مسلمان نیز در قرون اولیه اسلامی امری ناشناخته نبود، چنانکه فی المثل بلاذری، دقیق ترین وقایع نگار فتوحات عرب، در فتوح البلدان خود تصریح میکند که ابوبکر در مورد گردآوری قوا برای حمله به شام به مردم مکه و طائف و یمن و نیز اغراب نجد و حجاز نوشت که در امر آمادگی برای جهاد اسلامی شتاب کنند، زیرا غنائم فراوانی در انتظار آنها است. شعری از «ابوتمام» شاعر معروف دوران صدر اسلام، خطاب به یک رزمنده عرب، جو فکری آن زمان را بخوبی منعکس میکند: «نه! تنها بخاطر بهشت نبود که تو زندگی بادیه نشینی را کنار گذاشتی و بسراغ شمشیرزنی رفتی، بخاطر این بود که این شمشیرزنی نان و خرما می فراوانتری را نصیبت میکرد»^۱. (Ph. K. Hitti در کتاب History of the Arabs).

* * *

۱ - ابوتمام الطائی شاعر نامی آغاز قرن سوم هجری (۱۹۰-۲۲۸) که او را «نسی الله فی الشعر» لقب داده اند، سراینده «حماسة ابی تمام» است که چندین بار در لکنهو و قاهره و بیروت و در سال ۱۸۴۶ توسط Rückert همراه با ترجمه آلمانی آن در اشتوتگارت و در سال ۱۹۱۲ توسط A. Krimsky در مسکو بچاپ رسیده است.

برای درک واقع بینانه تاریخ صدر اسلام، میباید در نظر گرفت که گسترش اسلام، برخلاف آنچه در مورد مسیحیت روی داده بود، از راه نفوذ تدریجی و آهسته ولی پیگیر این آیین در داخل جامعه امپراتوری بزرگی که گفته میشد قصد تجاوز به حاکمیت آنرا ندارد صورت نگرفت، بلکه خود بصورت یک «امپراتوری در حال بنیانگذاری» از راه تصرف اراضی دیگران و به زیر فرمان درآوردن ساکنانشان وارد میدان شد. در باره علل پیروزی هایی که در مدتی کوتاه به تشکیل یکی از بزرگترین امپراتوریهای تاریخ بر ویرانه های امپراتوری های کهن ایران و روم انجامید بحث بسیار شده است، که شور مذهبی جنگجویان مسلمان از مهمترین آنها است، ولی از یاد نباید برد که از همان آغاز کار اسلامیت و عربیت در نزد این رزمندگان مفهوم واحدی یافته بود و در زیر لوای اسلامی، نهاد «امپریالیسم عرب» بود که استقرار مییافت، همراه با اساس زیربنائی هر امپریالیسم، یعنی استثمار اقتصادی مردمی که به عنف یا به تدبیر بصورت اجزاء امپراتوری درمیآمدند. شاید اظهار نظر پاپ لئون ششم که اعراب تنها با انگیزه کسب غنیمت و علاقه وحشیانه به جنگ و کشتار به پیروزیهای خود دست یافتند مبالغه آمیز باشد، ولی حتی راویان مسلمان جنگهای رده برای ما نقل کرده اند که خلیفه ابوبکر وقتیکه قبایل سرکوب شده این جنگها را به گرد آمدن مجدد برای حملات جنگی در خارج از عربستان فرا میخواند، بجای اینکه سخن از پیکار در راه صدور اسلام به سرزمینهای همسایه بمیان آورد، با آنان از ثروتهای هنگفتی که در نزد این همسایگان در انتظار آنها است سخن میگفت». (R. Hartmann در مقاله تحقیقی Die Himmelseis Muhammads (in der Religion des Islams

آیین جهانی یا آیین عربی؟

نخستین باری که در سلسله بررسیهای مذهبی دوران روشنگری اروپا بصورتی روشن بر نظریه رسالت اختصاصی محمد برای قوم عرب تأکید نهاده شد، در اثر مفصل Sir William Muir محقق انگلیسی قرن نوزدهم پنجم «زندگانی محمد و تاریخ اسلام از آغاز دوران هجرت» بود که در فاصله سالهای ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۱ در لندن بچاپ رسید. در این کتاب به شیوه طبری و ابن الاثیر وقایع سالهای مدینه و سالهای بعد از آن بصورت سال به سال مورد ارزیابی قرار گرفته اند و این روشی است که در سالهای آغاز قرن بیستم از جانب لئون کائانی در تدوین «سالنامه های اسلام» او نیز مورد پیروی قرار گرفته است. بخش کوتاهی از آنچه «مویر» در این راستا نوشته است چنین است:

«این ادعا که جهانگشایی عرب بقصد گسترش اسلام بر جهان صورت گرفت، اسطوره ای است که مدتی بعد از درگذشت محمد ساخته شد، زیرا در زمان خود محمد اساساً سخنی از تنفیذ اسلام در بیرون از عربستان در میان نبود. دنیای اسلامی محمد فقط جزیره العرب را شامل میشد و این موضوع در همان نخستین ایام ابلاغ آیین تازه به صراحت در قرآن مورد تذکر قرار گرفته بود: «... و ما این قرآن عربی را بصورت وحی بر تو فرستادیم تا مردم ام القری و پیرامون آنرا هشدار دهی و آنانرا از روزی که در آن گروهی به بهشت و گروه دیگر به دوزخ خواهند رفت آگاه سازی» (شوری، ۵). از آن پس تا به آخر کار، طرف خطاب محمد عربها، و منحصرأ عربها بودند. در آیه هایی که بعداً در باره جنگ علیه مشرکان و یهودیان و مسیحیان عربستان نازل شد نیز هیچ جا اشاره ای به رویارویی با پیروان این مذاهب در خارج از عربستان در میان نبود و همه آن آیات صرفاً به ساکنان خود این سرزمین مربوط میشدند. همینطور در سخنان حجة الوداع پیامبر خطاب به مردم قبایل مختلف عرب مخاطبان پیامبر منحصرأ خود اعراب بودند که محمد حجت خویش را بر آنها تمام شده دانست. در آخرین

سخنان محمد پیش از درگذشت او، از جانشینانش خواسته شده بود که مراقب باشند در سرزمین عرب جز یک ایمان واحد برقرار نباشد. بذریک آیین جهانی می‌توانست از همانوقت کاشته شده باشد، ولی به ثمر نشستن آن فرع آماده شدن شرایط مناسب بعدی بود و نه طرحی که از پیش تنظیم شده باشد. حتی خلیفه عمر، پس از نخستین پیروزیهای سپاه عرب در بین النهرین، وقتیکه سعدبن ابی وقاص برای کسب اجازه ادامه پیشرفت قوای عرب در داخل ایران از او کسب تکلیف کرد، پاسخ داد که: خواست من این است که میان سپاهیان ما در عراق و سرزمینهای آنسوی جبال، کوه‌هایی که حائلند دیواری باشند که برای همیشه راه تجاوز ما را به فارسی‌ها و راه تجاوز فارسی‌ها را به ما سد کنند، زیرا جلگه عراق از نظر تأمین خواسته‌های ما، ما را بس است و اعراب را به پیروزیهای تازه نیازی نیست.

این وقتی بود که هنوز موضوع یک رسالت جهانی اسلام از راه جهاد مقدس به خاطر مسلمانان خطور نکرده بود. البته وقتی که روبیکون درنور دیده شد، پیامدهای آن که در سالهای بعد بصورت جهانگشایی اسلامی شکل گرفت قابل پیش بینی بود، زیرا خوی غنیمت جویی بادیه نشینان عرب اکنون می‌توانست با شعارهای نوحاسته اسلامی درآمیزد و دوشادوش رود، و دعوت به جنگ که در سالهای فتوحات بعدی «جهاد» نام

۱ - برای آگاهی خوانندگانی که ممکن است با مفهوم این اشاره آشنا نباشند، توضیح داده میشود که در دوران باستانی جمهوری رم، بخاطر پاسداری از اساس جمهوریت و دمکراسی قانوناً مقرر بود که لژیون‌ها و سرداران رومی که از جنگهای جهانگشایی یا آرام سازی برونمرزی به رم بازمی‌گردند، پیش از گذار از رودخانه Rubicon (در شمال شبه جزیره ایتالیا) با سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود در این باره از سنای رم کسب اجازه کنند و اگر چنین اجازه‌ای داده نشود بدون این سلاحها از رودخانه بگذرند. این قانون با گذشتن بی اجازه لژیونهای ژول سزار در بازگشت از سفر پیروزمندانه فتح گل (فرانسه) در شب ۱۲ ژانویه سال ۴۹ پیش از میلاد مسیح زیر پا گذاشته شد، و همین امر جنگهای داخلی چندین ساله‌ای را برانگیخت که اعلام امپراتوری و بدنبال آن کشته شدن سزار را بدنبال آورد. اصطلاح «عبور از روبیکون» بعداً بصورت ضرب المثل درآمده است.

گرفت این بار در عربستان همراه با توجه به غنائم فزون از حسابی که این جنگها همراه میآورد طنینی پرشورتر و پذیرفتنی تر بیابد».

* * *

یک ثلث قرن بعد از محقق انگلیسی، پژوهشگر سرشناس آلمانی Hubert Grimme بنوبه خود در اثر تحقیقی بیش از هزار صفحه ای خویش (جلد اول: محمد و زندگانی او؛ جلد دوم: نگرشی در قرآن و سیستم الهیاتی آن) که کائتانی در سالنامه های اسلام خود آنرا اثر درجه اولی در تاریخ مطالعات اسلامی قرن نوزدهم دانسته است، همین موضوع را با موشکافی کاملتری مورد ارزیابی قرار داد. در این ارزیابی، وی با تحلیل آیات متعدد قرآنی که به گفته او بعدها آنطور تعبیر شده اند که مفسران و فقهای دستگاههای خلافت میخواستند و نه بدانصورت که در اصل معنی میداده اند، متذکر شده است که در همه اشاراتی که در این آیات به «مؤمنون» صورت گرفته فقط مسلمانان خود عربستان مورد نظر بوده اند، کماینکه اشارات مربوط به مشرکون و مبارزه با آنان که بعداً دستاویز جهانگشایی های اعراب قرار گرفت در نفس الامر تنها بت پرستان قریش و قبایل مشرک داخل شبه جزیره عربستان را شامل میشد. به همین دلیل Grimme ماجرای ارسال نامه های محمد به پادشاهان و حکام خارجی را نیز افسانه ای میداند که بعد از آغاز فتوحات توسط دستگاه خلافت ساخته و پرداخته شد، زیرا اصولاً منطقی نبود که پیامبر در شرایط سال ششم هجری که وی هنوز در داخل مدینه نیز سیادت مسلمی نداشت دست به چنین اتمام حجتی در خارج از عربستان آنهم خطاب به مقتدرترین امپراتوران جهان آنروز بزند. بر این موضوع بخصوص بعداً توسط کائتانی و دیگران تأکید بیشتری گذاشته شده است.

* * *

باوجود ارزیابیهای جامع محققان قرن نوزدهم، جامعترین بررسی ها را در این زمینه در دوره ده هزار صفحه ای «سالنامه های اسلام» Leone Caetani در آغاز قرن بیستم میتوان یافت. این بررسی ها را که در چندین

جلد سالنامه ها پراکنده اند، میتوان در این نتیجه گیری کلی خود او در جلد سوم این مجموعه خلاصه کرد:

«محمد هیچوقت خودش را پیامبر برگزیده خداوند برای تمام جهانیان اعلام نکرد، همانطور که پیش از او نیز هیچ پیامبر دیگر چنین نکرده بود، به همین دلیل در هیچ جای قرآن موردی نمیتوان یافت که در آن صراحتاً بر وجود چنین رسالتی تأکید گذاشته شده باشد، در صورتیکه لااقل در دو مورد بطور آشکار رسالت وی در نزد مردم ام القری (مکه) مورد تذکر قرار گرفته است (انعام، ۹۲؛ شوری، ۷). از همه ارزیابی ها چنین نتیجه گیری میتوان کرد که توجه محمد در تبلیغ رسالت مذهبی او به شبه جزیره عربستان محدود میشد، زیرا وی بدین اصل بنیادی آیین یهود که در قرآن نیز منعکس شده است معتقد بود که خداوند هر پیغمبری را برای قوم معینی برمیگزیند. در مورد خاص محمد میباید توجه داشت که مرگ زودرسی که نابهنگام به سراغ او آمد، در شرایطی که حتی خود عربستان نیز تماماً نه به آیین وی گرویده بود و نه به زیر فرمان او درآمده بود، جایی برای دست زدن به فعالیتهایی تازه و خطرناک در بیرون مرزهای شبه جزیره باقی نگذاشته بود، و بفرض هم که در این راستا کاری در نظر گرفته میشد از مواردی چون مؤته در سال هشتم و تبوک در سال نهم هجری یا عملیات انتقامی محدود چون ماجرای اسامه در سال ۱۱ هجری نمیتوانست فراتر رود. تنها آیه ای از قرآن که میتواند در صورت کلی آن به رسالت مافوق قومی تعبیر شود، آیه نهم سوره صف است که: «او است خدایی که پیامبرش را برای هدایت به کیش حق فرستاد تا بر کیشهای دیگر چیره شود، ولو آنکه این امر مشرکان را ناخوشایند آید»، و اتفاقاً این آیه با اشاره روشنی که به «مشرکون» دارد، بیانگر این است که در اشاره به خود اعزاب گفته شده است و اشاره آن به دینهای دیگر اشاره به معتقدات بت پرستانه داخل عربستان است که شمار آنها شمار بت ها بود، و نه اشاره به آیینهای توحیدی بیرون از عربستان که خود قرآن آنها را منزل از سوی خداوند دانسته بود. موضوع

رسالت سراسری پیامبر اسلام برای همه جهانیان، به تذکر کائتانی فقط در پایان قرن اول هجری یعنی تقریباً یکصد سال پس از درگذشت خود او در حدیثی مجعول مطرح شد، زیرا در آنزمان گسترش فوق العاده متصرفات عرب ایجاب میکرد که بدین جهانگشایی مشروعیتی مذهبی داده شود، یعنی تثبیت شود که محمد و قوم عرب رسالتی برای رستگاری همه بشریت و نه تنها برای قوم عرب داشته اند. این حدیث مجعول در چهار جای صحیح بخاری (ج ۱، ص ۱۴ از زبان ابن عمر، ص ۹۳ و ۱۲۱ از زبان جابر بن عبدالله، و ص ۱۱۱ از زبان انس بن مالک) نقل شده و از آن پس بطور یکنواخت در دیگر کتب حدیث و در تفسیرهای بعدی تکرار شده است. بدین موضوع طبعاً ایرادی نمیتوان گرفت، زیرا به تعبیر Hubert Grimme طبیعی است اگر یک امپریالیسم سیاسی، امپریالیسمی مذهبی مبتنی بر جهان شمولی اسلامی را نیز برای تحکیم خود به همراه بیاورد، و درست در همین راستا است که میتوان انگیزه افسانه ساختگی دیگر در باره نامه های ارسالی از جانب محمد به پادشاهان و زمامداران بیرون از عربستان را نیز توجیه کرد. در همین زمینه، این تذکر C. Becker در Islamstudien او جالب است که: «کلیه احادیث مربوط به تثبیت این ماهیت جهانی از قرن دوم هجری بعد ساخته شد، و طبعاً غلو معمول نیز از جانب مورخان اسلامی در مورد آنها بکار رفت، چنانکه در حدیثی که توسط ابن حجرالهیثمی بتفصیل مورد بحث و تفسیر قرار گرفته، قلمرو پیامبری محمد نه تنها از انسانهای روی زمین فراتر رفته، بلکه کلیه اجنه را نیز شامل شده، و بدان هم اکتفا نشده بلکه ملائک آسمان را نیز در بر گرفته است.»^۱

* * *

سرشناس ترین محقق قرن گذشته در میان پژوهندگان متعددی که بدنبال Caetani و Becker بدین بررسی پرداخته اند، Arnold Toynbee مورخ و مفسر بزرگ قرن بیستم است، که به تذکر او عیسی نیز چون محمد برای

۱ - فتاوی الحدیثیه، چاپ قاهره، سال ۱۳۰۷ هجری قمری، ص ۱۱۴.

خود رسالتی جز در مورد قوم خویش (یهود) قائل نبود و جنبه جهان شمولی توسط جانشینان او (و نه خود او) به آیین وی داده شد: «تبدیل مسیحیت و اسلام به آیین هایی جهانی، یعنی مذاهبی برای اینکه همه مردم و همه اقوام را شامل شوند، کار جانشینان بنیانگذاران آنها بود و نه کار خود این بنیانگذاران، زیرا که هیچکدام از خود آنان چنین برنامه ای را نداشتند. در انجیل های چهارگانه، هیچ جا نشانی از این دیده نمیشود که عیسی خود را جز به دیده یک یهودی تمام عیار نگریسته باشد، و در مقام چنین یهودی، افق دید مذهبی او الزاماً به قوم خودش محدود میشد. در انجیل متی، وی به حواریونی که از جانب او به مأموریت فرستاده میشوند میگوید که از سرزمین های غیریهودیان عبور نکنند و به هیچیک از شهرهای سامریان نیز وارد نشوند، بلکه فقط نزد گوسفندان راه گم کرده خاندان اسرائیل بروند (متی، باب دهم، ۵ و ۶)، و در انجیل مرقس، این بار بنا لحنی خشن تر و صریح تر، از زبان وی در پاسخ زنی کنعانی که با استغاثه از او تقاضای بیرون کردن دیو را از اندرون دختر مصروعش داشت، نقل شده است که: من تنها برای گوسفندان گمشده اسرائیل فرستاده شده ام، و درست نیست که نان فرزندان خانواده را بگیرم و پیش سگها بیندازم» (مرقس، باب هفتم، ۲۴-۲۷، و با همین مضمون، متی، باب پانزدهم، ۲۱-۲۴)!

افق دید مذهبی محمد نیز مانند عیسی فقط محدوده های قومی عرب را دربرمیگرفت. گرایش اعراب در این باره که آنها نیز مانند یهودیان

۱ - نخستین «قانون شرعی کلیسا» در سال ۴۹ میلادی (۱۸ سال پس از مرگ عیسی) بوسیله حواریون که در اورشلیم گرد آمده بودند وضع شد، و بدین ترتیب کلیسا برای خود حق قانونگذاری و نقض احکام پیشین را قائل گردید و مسیحیت عملاً از نظام قانونی یهود جدا شد. در توجیه این انشعاب، توماس آکوینوس قدیس معروف قرن سیزدهم مسیحی، با استناد به رساله پائولس مقدس به رومیان (بندهای ۲ تا ۱۴) نظر داد که انسان ها نیز میتوانند در موارد لزوم قانون وضع کنند، هرچند که این حق در اصل از راه آفرینش و طبیعت صرفاً از آن خداوند باشد. مراجعه شود به کتاب:

Jean des Gravières : Le droit canonique, PUF, Paris 1967, p. 29

و مسیحیان قومی دارای کتاب باشند گرایشی بیش از هر چیز عرب گرایانه بود و نه جهانی. اینان بحد کافی تحت تأثیر جاذبه فرهنگ امپراتوری های روم و فارس قرار داشتند برای اینکه خود نیز خواستار مذهبی از آن نوع که مردم این امپراتوری ها داشتند باشند، اما در عین حال روحیه استقلال طلبانه سنتی آنان اجازه اینکه چنین مذهبی را عیناً برای خود رونوشت برداری کنند بدانان نمیداد و برای اینکار ضرورت داشت که بدین مذهب رنگ قومی عرب داده شود. از دیدگاه عربهای این دوران مسیحیت مذهب خاص و در اصطلاح امروزی «ملی» رومیان و یهودیت مذهب «ملی» یهودیان بود و بر همین روال تصویری که محمد از خدای «ملی» اعراب به همقومان خودش ارائه میداد همانند تصویری بود که یهودیان از خدای خودشان داشتند، با این تفاوت که این بار قوم برگزیده این خداوند در میان سلاله ابراهیم از فرزندان عرب پسرش اسمعیل بودند و نه از فرزندان یهودی پسر دیگر او اسحاق.

این خصیصه قومیت گرایی که میتواند در اصطلاح امروزی ناسیونالیسم عربی خوانده شود، پس از سرازیر شدن اعراب به بیرون عربستان و تصرف سرزمین های ساسانی و رومی از جانب آنها، همچنان ویژگی اصلی فاتحان در زمینه ملی عرب باقی ماند، ولی اشکال زیادی از این بابت به وجود نیاورد، زیرا این فاتحان اصراری به مسلمان کردن اتباع غیرعرب خود نداشتند، و آنچه در این راستا مورد توجه خاص آنان بود باج و خراجی بود که مغلوبین میبایست بدین فاتحان بدهند، و اتفاقاً قبول اسلام از جانب اینان نه تنها مقدار این باج و خراج را اضافه نمیکرد، بلکه بالعکس کاهش میداد. بدین ترتیب در نهایت امر اتباع غیرعرب یعنی زرتشتی یا مسیحی جهان اسلام بودند که با حمله متقابل خود شکارگاه اختصاصی اعراب فاتح را بتصرف خویش درآوردند، و آنانرا از برتری انحصاری که در دولت اسلامی داشتند محروم کردند، و این بار اینان یک سازمان مذهبی و یک سیستم شریعتی برای این آیین بوجود آوردند که برای همیشه به دوپهلویی خاصی که تا آنزمان توسط اسلام

میان دو آرمان ناسازگار قومیت‌گرایی و جهان‌نگری حفظ می‌شد. پایان داد. بدین ترتیب بود که ملت‌های غیرعرب که الزاماً به آیین محمد گرویده بودند این آیین را از ابهامی که بنیانگذار آن برایش باقی گذاشته بود رهایی دادند. با چنین استحاله‌ای از یک مذهب شدیداً قومیت‌گرا به یک آیین جهانی، اسلام از یک ذخیره گران فرهنگی که مطلقاً خودش در فراهم آمدن آن دخالتی نداشت به سود خود بهره‌برداری کرد، همانطور که مسیحیت کرده بود، و با همان افراد و همان وسایلی که در مورد مسیحیت بکار گرفته شده بود. کسانی که در این هر دو مورد به اسلام نیز مانند مسیحیت امکان دستیابی به ابعاد گسترده معنوی و فرهنگی دادند آسیایی‌های جنوب باختری یعنی وارثان یک ترکیب فرهنگی سریانی و یونانی بودند، که استقلال پیشین خود را از دست داده بودند ولی باروری فرهنگی خود را از دست نداده بودند. بالعکس، با حل شدن در یک مجتمع واحد فرهنگی قدرت باروری بیشتری یافته بودند. بدون اینان، به احتمال بسیار مسیحیت بصورت یک فرقه گمنام یهودی باقی مانده بود و اسلام نیز از حد یک رونوشت عربی سیستم یهودی - مسیحی فراتر نرفته بود.^۱

هشدار که علی در باره قرآن داد

ولی این قرآنی که میبایست ابزار مشروعیت جهانگشایی عربی با بخشیدن عنوان «اسلامی» بدان قرار گیرد، چنانکه میدانیم خودش مجموعه آیاتی یکدست نبود که بتوان به آسانی بر همه آن‌ها انگشت گذاشت. و نه تنها مجموعه آیاتی هماهنگ نبود، بلکه در بسیار موارد درست بعکس مجموعه آیاتی بود که در موارد متعدد با یکدیگر متفاوت و گاه بکلی

۱ - Arnold Toynbee در A Study on History، آکسفورد، ۱۹۷۲.

متناقض مینمودند. البته در طول قرون بعدی، مفسران و فقهای جهان اسلام پیوسته در نادیده گرفتن دوگانگی های آیات مکی و آیات مدنی قرآن و توجیه آنها در هر دو صورت، هر قدر هم غیرمنطقی و ناپذیرفتنی، کوشیدند، ولی خود بلندپایگان دستگاه خلافت در دوره تصمیم گیری سالهای دوازدهم و سیزدهم هجری بر وجود این تناقض ها در قرآن بخوبی آگاهی داشتند، زیرا در طول سالها از نزدیک در جریان تدریجی نزول آیات بودند و حتی برخی از آنان خود در زمره کاتبان قرآن قرار داشتند. بهترین گواه را در مورد این آگاهی، در دستورالعملی میتوان یافت که علی بن ابیطالب، پسر عم و داماد پیامبر، چهارمین خلیفه از خلفای راشدین و اولین امام از ائمه شیعیان، در زمان خلافت خود به ابن عباس نماینده اعزامی خویش برای مذاکره با زعمای فرقه «خوارج» و کوشش در یافتن راه حلی مرضی الطرفین بدو داده بود و عین آن در نهج البلاغه آمده است، که برگردان فارسی آن از روی ترجمه فیض الاسلام از «نهج البلاغه» چنین است: «... و با ایشان با استناد به قرآن مناظره مکن، زیرا که قرآن دوپهلوی است و احتمالات و توجیهاات بسیار دربر دارد: یکی از آنها را تو میگویی و یکی دیگر را آنان میگویند. در عوض با آنها با سنت (حدیث) احتجاج کن، زیرا در اینصورت دستت باز است و آنان گریزگاهی نخواهند یافت»^۱.

واقعیتی را که علی درین باره میدانست، مسلماً ابابکر و عمر نیز میدانستند. معنی این سخن این است که هم ابابکر و هم عمر، در دوره انتخاب سرنوشت سازی که همه آینده اسلام بدان مربوط میشد، میدانستند که اگر در یک چهارم از قرآن به دلایلی که پی ریزی یک حکومت اسلامی آنها را ایجاب میکرد است طبل جنگ زده شده و بموجب حدیثی که به گفته گلدتسیهر بعدها از زبان پیامبر ساخته و پرداخته شد بهشت در زیر سایه

۱ - نهج البلاغه، جزوه پنجم، خطابه هفتاد و هفتم. در همین زمینه تحقیق جالبی از H. Grimme با عنوان «دوپهلویی قرآن» در کتاب «Koranische Theologie»، ج ۱، صص ۱۰۵-۱۱۷ و نیز مقاله ای تحقیقی از همین مؤلف و در همین زمینه در «سالنامه پروس» سال ۱۹۱۷، صص ۴۲-۵۴ میتوان یافت.

شمشیرها جای داده شده است، در سه چهارم دیگر از آیات همین قرآن راه بهشت از مسیری میگذرد که راه صلح و شکیبایی است، و بیانگی که در آن شنیده میشود شیپور قتال نیست، بانگ «لاکراه فی الدین» است. این را نیز بیگمان میدانستند که با استقرار نهایی خلافت اسلامی در عربستان، دوران آیات قتال منطقاً به پایان رسیده است، کما اینکه از بعد از فتح مکه، دیگر هیچ آیه تازه ای در باره قتال ابلاغ نشد. آنچه در دوران بعد از تشکیل حکومت اسلامی در عربستان وظیفه واقعی جانشینان محمد بود ماجراجویی در بیرون عربستان نبود، تحکیم و سازماندهی نظم تازه ای بود که محمد در خود این سرزمین برقرار کرده بود، بدانصورتی که زیربنای ایدئولوژیک آن در ۸۶ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن مشخص شده بود، یعنی بصورت یک مذهب و نه به صورت یک Mein Kampf اسلامی. و با وجود این راهی که در این دو دوراها سرنوشت ساز از جانب ابوبکر و عمر برگزیده شد درست همین راه Mein Kampf اسلامی بود، با همه پیامدهای ۱۴۰۰ ساله اش، با همه خونریزیها و فاجعه انگیزیهایش، و با انحطاط دردناکی که این «اسلام چماقدار» با گذشت زمان برای همه جهان اسلام به همراه آورد.

فقیهانی غالباً ناشی، با توجه به دوگانگی انکارناپذیر بسیاری از آیات مکی و آیات مدنی قرآن، در توجیه اینکه چرا در مرحله انتخاب کارگردانان خلافت راه آیات قتال مدنی را برگزیدند و نه راه آیات صلحجویانه مکی را، اظهار نظر کرده اند که در چنین مورد میباید به راه آياتی رفت که دیرتر ابلاغ شده اند. ولی خیلی زود بدانها گفته شد که چنین توجیهی آشکارا با آنچه در این باره در خود قرآن آمده تناقض دارد، زیرا در قرآن به کرات مورد تأیید قرار گرفته است که: «میان هیچیک از بخشهای این کتاب کم و کاستی وجود ندارد، زیرا که سراسر آن فرستاده خدایی دانا و سزاوار ستایش است» (فصلت، ۴۲). «بدانان بگو که جملگی این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من با حقیقتی یکسان نازل کرده است» (نحل، ۱۰۲). «همه آیات قرآن برای تذکر خلقند تا هر که خواهد از آنها پند گیرد» (عبس، ۱۱). «ستایش خدایی را که این قرآن را بر بنده خویش فرستاد و در هیچ جای آن کژی و ناکاستی ننهاد»

(کهف، ۱؛ زمر، ۲۸). «این سوره (نور) را فرستادیم... و در آن آیاتی روشن جای دادیم تا برای شما یادآور حقایق باشند» (نور، ۱). «آنها که خرد دارند میگویند باور داریم که همه آیات قرآن از جانب خدای ما است» (آل عمران، ۷). بر این امر، از جانب غالب علمای تسنن و تشیع نیز در همه ادوار تاریخ اسلام صحنه گذاشته شده است که از آنجمله میتوان این فتوای معروف شیخ مفید را (که به روایت جمعی از مورخان، شخص امام زمان سه نامه بدو فرستاده و حتی مرثیه ای در مرگ او سروده است) نقل کرد که «آنچه میان دو ورق اول و آخر قرآن است جملگی سخن خدایتعالی و نازل شده از جانب او است، و هیچ چیز از سخن آدمی در آن نیست». تأکیدی به همین صورت در اعتقادات شیخ صدوق و تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی و در موطای مالک ابن انس میتوان یافت.

* * *

نحوه عملی که برای تحصیل مشروعیت مذهبی بدانچه «جهاد» اسلامی نام داده شد در پیش گرفته شد این بود که نخست کلیه بخش مکی قرآن، یعنی ۸۶ سوره از سوره های ۱۱۴ گانه آن، شامل ۴۶۱۷ آیه از ۶۲۳۶ آیه ای که جمعاً کلیه سوره های قرآن و کلیه آیه های آنرا تشکیل میدادند از جانب آنان کنار گذاشته شده و نادیده گرفته شد، بدین دلیل ساده که در هیچکدام از آنها از غنیمت و از قتل مورد علاقه دستگاه خلافت سخنی به میان نیامده بود. در مقابل منحصراً سوره ها و آیه های بخش مدنی قرآن ملاک گزینش قرار گرفتند که هر چند این بار فقط ۲۸ سوره از ۱۱۴ سوره این کتاب و ۱۶۱۳ آیه از آیات ۶۲۳۶ گانه آنرا شامل میشدند، در عوض این امتیاز را داشتند که به اندازه کافی در آنها صحبت از قتل و غنیمت شده بود، و در هر دو مورد نیز دستورهای روشنی داده شده بود.

با اینهمه این بار نیز کار بدان آسانی که انتظار میرفت نبود، زیرا آیاتی که برای این منظور میتوانستند مورد استناد قرار گیرند هیچکدام بصورت آیه هایی مستقل مطرح نشده بودند، بلکه عموماً بصورت جزئی از مجموعه آیاتی آمده بودند که کاملاً بهم مرتبط بودند، و بخشی از آنها مبتدا و بخشی

دیگر خبر این مجموعه بشمار میرفتند، و آیه مورد نظر فقط در صورتی مفهوم واقعی خویش را ارائه میکرد که همراه با این مبتدا و خبر قرائت شود. ولی در این مورد درست برعکس به گزینشی انتخابی اقدام شد، بدین ترتیب که آیه های مشخصی که میتوانند برای تأمین این منظور مورد استناد قرار گیرند، از مجموع کلی و یکپارچه آیات دیگری که مبتدا و خبر الزامی آنها بودند بیرون کشیده شدند و به صورت آیاتی مستقل ملاک عمل شناخته شدند، تا جنبه ارتباط آنها با شرایط زمانی و مکانی معین ناشناخته بماند.

برای هر قومی پیامبری

در زمانی که آیین اسلام پا به صحنه تاریخ گذاشت، در تمامی منطقه جغرافیائی که آینههای بزرگ توحیدی از آن برخاسته‌اند تنها شبه‌جزیره عربستان بود که مردم آن در شرک سنتی خویش یعنی در دوران بت‌پرستی باقی مانده بودند. این شبه جزیره در آنزمان مجتمعی از قبایل غالباً صحرائشین عرب بود که به تصریح خود قرآن اصولاً پیامبری تا بدان هنگام برای دعوت آنان به یکتاپرستی به سویشان فرستاده نشده بود: «... و ما پیش از تو هیچ رسولی و کتابی را به سوی این قوم نفرستاده بودیم» (سبا، ۴۴)؛ «... ترا فرستادیم تا قومی را که هشدار دهنده‌ای به سویشان فرستاده نشده بود هشدار دهی» (قصص، ۴۶).

در یکی از روزهای سال ۶۱۱ مسیحی (احتمالاً در ۲۷ ماه رجب آن سال) این رسالت به یکی از افراد خاندان بنی هاشم از قبیله قدرتمند قریش واگذار شد: «... ما این قرآن عربی را بر تو فرستادیم تا مردم ام‌القری (مکه) و پیرامون آنرا هشدار دهی» (انعام، ۹۲؛ شوری، ۷). از این هنگام دعوت پیامبرانه محمد شروع شد، و این دعوت مدت ۲۳ سال یعنی تا هنگام ایراد خطابه معروف حجة الوداع او در آخرین روزهای زندگانش ادامه یافت.

قانون شناخته شده تاریخ از آغاز این بوده است که هر متفکر و صاحب‌نظری که پیامی نو آورده باشد، خواه این پیام فلسفی باشد، خواه اجتماعی یا علمی یا سیاسی و طبعاً خواه مذهبی، کار خود را با ابلاغ ضوابط و مشخصات این پیام به مردمان آغاز میکند، و این دقیقاً کاری است که توسط محمد نیز انجام گرفت و در همه دوران ۱۳ ساله اقامت او در مکه بصورتی پیگیر و بویژه بصورتی روشن و بی‌هیچگونه ابهام ادامه یافت. بدین روشنی بارها در خود قرآن تأکید گذاشته شده است (انعام، ۵۹؛ یونس، ۶۱؛ سبا، ۳۰؛ یوسف، ۱، ۲، ۶؛ یس، ۶۹؛ نحل، ۱؛ قصص، ۳؛ نمل، ۷۵؛ حجر، ۱؛ زخرف، ۲؛ مریم، ۹۷؛ قمر، ۱۷، ۳۲، ۴۰؛ دخان، ۲). در آیه‌های دیگر رسالت پیامبر اصولاً بلاغ المبین (ابلاغ آشکار) اعلام شده است (مائده، ۹۲؛ نحل،

۳۵ و ۸۲): یس، ۱۷؛ نور، ۵۴؛ عنکبوت، ۱۸؛ تغابن، ۲۱).
همه آیه‌هایی که در این دوران ۱۳ ساله توسط محمد ابلاغ شده‌اند - و زیربنای ایدئولوژیک آیین اسلام را تشکیل می‌دهند - در بخشی از قرآن جای دارند که بخش مکی آن نامیده می‌شود، و این بخش مکی نه تنها از نظر کیفیت، بلکه از لحاظ کمیت نیز مهمترین بخش قرآن را تشکیل می‌دهد، زیرا ۸۶ سوره از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن و ۴۶۱۷ آیه از مجموع ۶۲۳۶ آیه آن (یعنی در هر دو مورد بیش از سه چهارم کتاب) بدان اختصاص یافته‌اند.
در تمامی قرآنهای چاپی که در حال حاضر در دست مسلمانان وجود دارد - و از زمان خلیفه عثمان تنها متن رسمی قرآن شناخته می‌شود - این سوره‌های ۸۶ گانه با قید سوره‌های مکی در سرلوحه هر کدام مشخص شده‌اند. بدین ترتیب هر زن و مرد مسلمانی که سواد خواندن متن عربی قرآن یا ترجمه آنرا به زبان خودش داشته باشد، در هر جای جهان که باشد میتواند این سوره‌های هشتاد و ششگانه مکی را که در حال حاضر بطور پراکنده در جابجای قرآن جای گرفته‌اند با دقتی بیشتر از معمول بخواند تا بدین واقعیت غالباً ناشناخته پی ببرد که در سرتاسر این بخش اصلی قرآن نه یکبار صحبتی از شمشیرکشی به میان آمده است، نه یکبار نامی از جهاد مقدس برده شده است، نه یکبار اشاره‌ای به غنیمت ستانی صورت گرفته است. و نه فقط سخنی از هیچکدام از اینها به میان نیامده، بلکه بارها و بارها، درست در جهت عکس، در ارتباط با دعوت پیامبرانه محمد و نحوه ابلاغ رسالت او رهنمودهایی از این قبیل به وی داده شده است که: «در ابلاغ رسالت با بهترین صورت ممکن با همگان به تبادل نظر و موعظه پرداز» (نحل، ۱۲۵)؛ «بدانان بگو: من از جانب خداوند مأمور شده‌ام که شما را به بینش بخوانم. آنکس که به بصیرت روی آورد به رستگاری خود کمک کرده است، و آن کس نیز که نابینا بماند به زیان خودش کور مانده است، زیرا که من پیامبر شمایم، ولی فرمانروای شما نیستم» (انعام، ۱۰۴)؛ «بدانان بگو که دین حق از جانب پروردگار بر شما آمده است، هر که خواهد بدان ایمان

آورد و هر که خواهد کافر بماند» (کهف، ۲۹)؛ «ما ترا بر قومست به رسالت فرستاده‌ایم و نه بر حاکمیت» (اسراء، ۵۴)؛ «... و چون ترا تکذیب کنند بدانان بگو که من پاسخگوی اعمال خودم هستم و شما پاسخگوی اعمال خودتان. شما آنچه را که من میکنم منکرید، و من نیز خود را مسئول آنچه شما میکنید نمیدانم. این خداوند نیست که به مردمان ستم میکند، بلکه خود آنانند که به خویش ستم میکنند» (یونس، ۴۱)؛ «آری، ما ترا تنها به عنوان مژده‌آور و هشدار دهنده فرستاده‌ایم» (زخرف، ۸). در ۲۳ مورد دیگر همین مضمون به صورتهای مختلف تکرار شده است (انعام، ۴۸، ۷۰، ۱۰۷؛ نحل، ۸۲؛ اسراء، ۱۰۵؛ کهف، ۵۶؛ انبیاء، ۱۰۷؛ نور، ۵۴ و ۹۲؛ عنکبوت، ۱۸، ۴۶، ۵۰؛ سبأ، ۲۸؛ فاطر، ۲۴؛ ص، ۶۵؛ شوری، ۱۵، ۴۸؛ زخرف، ۸۹؛ جن، ۲۳؛ غاشیه، ۲۱ و ۲۲؛ کافرون، ۱ تا ۶).

به موازات این آیات، در جایجای همین سوره‌های مکی بیش از ۱۵۰ بار به صورتهای مختلف بر بخشندگی، مهرورزی، توبه‌پذیری، نیکخواهی و پاداش‌دهی خداوند تأکید نهاده شده است، افزون بر دو صفت رحمن و رحیم که در آغاز همه سوره‌های قرآن (به استثنای یکی از آنها) تکرار شده‌اند. چون نقل همه این آیه‌ها مقدور نیست، به نقل فهرست سوره‌ها و آیه‌های مربوطه بدان در زیرنویس همین صفحه اکتفا میکنم.^۱

۱ - انعام، آیه‌های ۱۲، ۱۶، ۵۴، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۵؛ اعراف، آیه‌های ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۷؛ یونس، آیه ۱۰۷؛ هود، آیه‌های ۱۱، ۴۱، ۴۳، ۹۰؛ یوسف، آیه‌های ۵۳، ۶۴، ۹۲، ۹۸، ۱۰۰؛ ابراهیم، آیه ۳۶؛ حجر، آیه ۴۹؛ نحل، آیه‌های ۷، ۱۸، ۴۷، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۹؛ اسراء، آیه‌های ۲۳، ۴۴، ۵۴، ۶۶، ۱۱۰؛ کهف، آیه ۵؛ مریم، آیه‌های ۱۸، ۲۶، ۴۴، ۴۵، ۵۸، ۶۱، ۶۹، ۷۵، ۷۸، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۶؛ طه، آیه‌های ۵، ۸۲، ۹۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۲؛ انبیاء، آیه‌های ۵، ۸۲، ۹۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۲؛ مؤمنون، آیه‌های ۱۰۹ و ۱۱۸؛ فرقان، آیه‌های ۶، ۲۶، ۵۹، ۷۰؛ شعرا، آیه‌های ۵، ۹، ۶۸، ۸۲، ۱۰۴؛ نمل، آیه‌های ۱۱، ۲۷، ۳۰، ۷۳؛ قصص، آیه ۱۶؛ عنکبوت، آیه‌های ۷ و ۲۱؛ روم، آیه ۵؛ سجده، آیه ۶؛ سبأ، آیه‌های ۲، ۴، ۱۵؛ فاطر، آیه‌های ۲، ۷، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۴۱؛ یس، آیه‌های ۵، ۱۱، ۱۵، ۲۳، ۲۷، ۵۲، ۵۸؛ ص، آیه‌های ۹ و ۶۶؛ زمر، آیه‌های ۵، ۲۵، ۲۸، ۵۳، ۵۹؛ مؤمن، آیه‌های ۳، ۷، ۴۲؛ فصلت، آیه‌های ۲، ۳۲، ۴۳؛ شوری، آیه‌های ۵، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۰؛ زخرف، آیه‌های ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۵، ۸۱؛ دخان، آیه‌های ۶ و

موضوع اصلی دیگری که در سرتاسر قرآن دوران مکه بر آن با قاطعیت تأکید نهاده شده است - هر چند که با کوشش پیگیر و دسته‌جمعی ۱۴۰۰ ساله در تفسیر و تعبیر حساب شده و جانبگرانه برخی از آیه‌های دوران مدنی همین قرآن، قبول چنین واقعیتی برای تقریباً همه مسلمانان کنونی جهان دشوار بنظر میرسد - این اصل است که با توجه به شرایط خاص قومی و اقلیمی و اجتماعی اقوام و ملل مختلف جهان، از جانب خداوند برای هدایت هر یک از آنها بسوی یکتاپرستی رسولی خاص از میان همان قوم به سویشان فرستاده میشود تا به زبان مردم آن قوم با آنان سخن گوید، و در مواردی کتابی نیز باز هم به زبان همان قوم برای آن رسول میفرستد تا مردم قوم امکان فهمیدنش را داشته باشند: «هیچ پیامبری را بر قومی نفرستادیم مگر اینکه به زبان همان قوم سخن گوید تا بتواند به روشنی با آنان گفتگو کند» (ابراهیم، ۴)؛ «برای هر قومی پیامبری فرستادیم» (یونس، ۴۷)؛ «پیش از تو نیز رسولانی به نزد اقوام مختلف فرستاده‌ایم» (نحل، ۱۶)؛ «هر قومی را راهنمایی است» (زعد، ۷)؛ «و همانا که برای هر امتی پیامبری فرستادیم تا بدانان بگویند که خدای یکتا را بپرستند و از طاغوت دوری گزینند» (نحل، ۳۵ و ۳۶)؛ «و رسولانی را به سوی اقوامی مختلف فرستادیم تا آنرا بشارت بخشند و هشدار دهند» (کهف، ۵۶)؛ «و پیش از تو رسولانی را به اقوام گذشته فرستادیم» (حجر، ۱۰)؛ «هیچ قومی نبوده است که برایش هشدار دهنده و هدایت کننده‌ای از جانب ما فرستاده نشده باشد» (فاطر، ۲۴).

تذکر این واقعیت بيمورد نیست که این برداشت انحصار به اسلام و قرآن ندارد، بلکه در کتابهای تورات (سفر تثنیه، باب هجدهم، ۱۸) و انجیل (اعمال رسولان، باب سوم، ۲۲ و باب هفتم، ۷) نیز مورد تذکر قرار گرفته

(بقیه از صفحه پیش) ۱۴۲: جاثیه، آیه ۳۰؛ احقاف، آیه‌های ۱ و ۸؛ ق، آیه ۳۳؛ طور، آیه ۲۸؛ نجم، آیه ۳۲؛ الملک، آیه‌های ۲، ۳، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۹؛ قلم، آیه ۲۰؛ نوح، آیه‌های ۴ و ۱۰؛ مزمل، آیه ۲۰؛ مدثر، آیه ۵۶؛ بناء، آیه‌های ۳۷ و ۳۸؛ بروج، آیه ۱۴.

است، منتها قاطعترین و روشن‌ترین تأکیدها را در این مورد در قرآن میتوان یافت، چنانکه در این راستا حتی جنیان و فرشتگان نیز از این قانون کلی مستثنی نشده‌اند: «ای گروه جن، آیا برای هدایت شما رسولانی را از جنس خودتان به سویتان نفرستادیم که آیات ما را برایتان بخوانند؟» (انعام، ۱۳۰)؛ «اگر فرشتگان را هم در روی زمین قرارگاهی میبود، برای آنان نیز فرشته‌ای را از آسمان به رسالت میفرستادیم» (اسراء، ۹۵)؛ «خداوند رسولان خویش را از میان فرشتگان و آدمیان برمیگزیند» (حج، ۷۵).

آیات متعدد دیگری به توضیحات دقیق‌تر در باره پیمبرانی که پیش از محمد به سوی اقوام مختلف فرستاده شده‌اند اختصاص یافته‌اند: نوح و قوم او (نوح، ۱؛ اعراف، ۵۹؛ هود، ۲۵؛ مؤمنون، ۳۱؛ عنکبوت، ۱۴؛ قمر، ۹)؛ هود و قوم عاد (هود، ۵۰؛ اعراف، ۶۵؛ شعرا، ۱۲۳؛ احقاف، ۲۱ و ۲۲)؛ صالح و قوم ثمود (نمل، ۴۵؛ هود، ۶۱؛ اعراف، ۷۳؛ قمر، ۲۳)؛ شعیب و قوم مدین یا اصحاب الایکه (شعرا، ۱۷۶ و ۱۷۷؛ هود، ۸۴، ۹۵)؛ لوط و قوم سدوم (اعراف، ۸۰؛ شعرا، ۱۶۰؛ قمر، ۳۳)؛ موسی و قوم اسرائیل (بقره، ۵۴، ۵۵، ۶۸؛ مائده، ۲۰، ۲۱، ۲۲؛ اعراف، ۱۴۵ و ۱۴۸؛ هود، ۹۶؛ ابراهیم، ۵؛ شعرا، ۱۰؛ مؤمن، ۵۳ و ۵۴؛ صف، ۵؛ صافات، ۱۱۴)؛ عیسی و قوم اسرائیل (صف، ۶)؛ ابراهیم و قوم او (ابراهیم، ۳۶؛ عنکبوت، ۱۶)؛ الیاس و قوم او (صافات، ۱۲۳)؛ پیامبر فرستاده شده به سوی اصحاب الرس (ق، ۱۲ و ۳۸)؛ اصحاب الرقیم (کهف، ۹)؛ اصحاب السبت (بقره، ۶۵؛ نساء، ۴۷ و ۱۵۴؛ اعراف، ۱۶۳؛ نحل، ۱۲۴)؛ قوم‌التبع (ق، ۱۴؛ دخان، ۳۷)؛ اصحاب‌الاحدود (مروج، ۴).

بر پایه چنین سابقه‌ای است که آیه‌های متعددی از قرآن به رسالت خاص محمد به سوی قوم عرب اختصاص یافته‌اند.

در آیه‌ای از سوره فصلت آشکارا بر آزادی اجرای مقررات هر مذهبی از جانب قومی که بدان گرویده‌اند تأکید گذاشته شده است: «برای هر قومی طریقتی و شریعتی جداگانه مقرر داشتیم تا اعضاء آن طریقت آنرا رعایت کنند و با تو بر سر اجرای آن به مجادله برنخیزند» (حج، ۳۴ و ۶۷).

* * *

بهمان اندازه که در قرآن مکی بر رسالت خاص محمد برای هدایت قوم مشرک عرب به یکتاپرستی تأکید گذاشته شده، بر این نیز که قرآن کتابی است که اصالتاً برای قوم عرب فرستاده شده است، در آیه‌هایی متعدد تأکید نهاده شده است: «این قرآن را به زبان خود تو نازل کردیم تا درک آن برای گویندگان این زبان آسان باشد» (دخان، ۵۸)؛ «قرآن را به زبان خود تو فرستادیم تا با آن پرهیزکاران را بشارت بخشی و قومی لجوج و سرسخت را بیم دهی» (مریم، ۹۷)؛ «این قرآنی است عربی، با آیاتی روشن، برای هدایت گروهی که از بینش برخوردار باشند» (فصلت، ۳)؛ «این کتاب قرآنی است عربی، دور از هر کژی و کاستی، که در آن امثال بسیار آورده شده است، باشد که در باره آن‌ها بهتر بیندیشید» (زمر، ۲۸)؛ «قرآن را به زبان عربی فرستادیم، باشد که در باره آن بهتر تعقل کنید» (یوسف، ۳)؛ «قرآن را به زبان خود تو فرستادیم که در برگیرنده هشدارهایی است تا شاید کسان را به پرهیزکاری بخواند یا یادآورشان در این باره باشد» (طه، ۱۱۳)؛ «سوگند به کتاب مبین که این قرآن را به زبان عربی آوردیم تا شاید شما را به بینش و خرد بخواند» (زخرف، ۳)؛ «ما این کتاب خرد را به عربی وحی کردیم» (رعد، ۳۷)؛ «اگر ما این کتاب را بر بعضی از مردم غیرعرب نازل میکردیم و بر آنان خوانده میشد ایمان نمی‌آوردند (زیرا که معنی آنرا نمی‌فهمیدند)» (شعرا، ۱۹۸)؛ «این قرآن کتابی است به زبان عربی، با هدف هشدار دادن به ستمگران و مژده بخشیدن به آنانکه به راه نکوکاری می‌روند» (احقاف، ۱۲)؛ «این کتابی است مبارک که ما به سوی شما فرستاده‌ایم تا از آن پیروی کنید و دیگر نگوئید که اگر بر ما (اعراب) نیز کتابی فرستاده شده بود به راه رستگاری رفته بودیم. اینک پروردگار شما نشان روشنی از رحمت و هدایت خود را به سویتان فرستاده است، و کیست گنهکارتر از آنکس که این آیات خدا را تکذیب کند؟» (انعام، ۱۵۵-۱۵۷).

این قرآنی که اصالتاً برای قوم عرب فرستاده شده است، شامل قوانین و مقررات متعددی است که آنها نیز صرفاً به خود قوم عرب در مسیر تحول از عصر جاهلیت به دوران اسلامی مربوط میشوند و نمیتوانند قوانینی ابدی

آنهم برای همه مردم جهان بشمار آیند. پژوهشگران متعددی در یکصد ساله گذشته بر این نوع مقررات انگشت نهاده‌اند که طبعاً فرصت نقل همه آنها در اینجا نیست، ولی میتوان ده‌ها مورد از این قبیل را در این بررسیها یافت که دو سه آیه زیر نمونه‌هایی از آنها است:

در آیه ۱۰۳ از سوره مائده آمده است که: «خداوند هیچ مقرراتی را برای بحیره و سائبه و وصیله و حام وضع نفرموده است، و کافران در این باره به دروغ بر خدا افترا می‌بندند». این هر چهار اصطلاح نامهای عربی شتران یا گوسفندانی هستند که اعراب دوران جاهلیت نذر خدایان خود میکردند و بدین جهت کشتن آنها مجاز نبود و میتوانستند آزادانه در هر جا که بخواهند چرا کنند. بحیره شتر ماده‌ای بود که به سنت عربی گوشش را چاک میدادند تا نمایانگر وقف او برای قربانی باشد. سائبه شتر ماده دیگری بود که نمیبایست هیچ نوع بارکشی از او خواسته شود. وصیله شتر یا گوسفند ماده‌ای بود که نه فرزند نر یا ماده در طول زمان زائیده بود، و حام شتر نری بود که تنها برای باردار کردن شتران ماده بکار گرفته میشد. چنین سنتی اصولاً در هیچ سرزمین دیگر جهان وجود نداشت تا نیاز به وضع قانونی در باره آن باشد.

در آیه‌های ۳ و ۹۰ از همین سوره مائده اشاره به تیرهای فالگیری شده است که میباید از آن خودداری شود. این اشاره مربوط به یک سنت کهن عربستان است که بمنظور تفال بر روی چند تیر مینوشتند لات یا عزری (بت‌های بزرگ عهد جاهلیت) یا بت‌های دیگر چنین امر میکنند یا چنین نهی میکنند. سپس تیرها را بهم میریختند و یکی از آنها را بیرون می‌آوردند تا بر اساس محتوای آن عمل کنند. این رسم که در کتاب حزقیال عهد عتیق نیز بدان اشاره شده است در زمان ظهور اسلام فقط در عربستان وجود داشت و نه در هیچ جای دیگر. در آیه ۴ از سوره فلق نیز در اشاره به سنت عربی دیگری از همین قبیل آمده است که «پناه میبرم به خدا از زنان جادوگری که در گره‌ها میدمند»، و این نیز سنتی خاص عربستان بوده است.

در یک ارزیابی واقع‌بینانه از آیه‌های «قتال» قرآن، می‌باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که همه این آیه‌ها در ارتباط با «غزوات» دوران مدینه، یعنی در مورد زد و خوردهای قبیله‌ای و سنتی معمول عربستان عصر جاهلیت ابلاغ شده‌اند که از حیث زمانی و مکانی ابعادی بسیار محدود دارند، چنانکه بر مبنای ارقامی که از جانب قدیمی‌ترین سیره‌نویسان زندگانی محمد بخصوص مغازی ابن سعد ارائه شده و بعد از آن نیز در دیگر تواریخ اسلامی مورد نقل قرار گرفته است شمار مجموع تلفات غزوات ۶۵ گانه دوران ده ساله مدینه چه از جانب مسلمانان و چه از جانب دشمنان آنها حتی به یکهزار نفر هم نرسیده است و در هیچ شرایطی نمیتوان آنها را با آن جنگ‌های واقعی که شمشیرکشان بعد از محمد براه انداختند - و تنها یکی از آنها یعنی جنگ جلولاء را که به تصرف و غارت تیسفون از جانب اعراب انجامید و آنقدر کشته به بار آورد که سراسر دشت از اجساد قربانیان پوشیده شد و به همین مناسبت این جنگ جلولاء (پوشیده) نام گرفت - برابر نهاد.

نکته دوم اینکه همگی این آیات مرتبط به غزواتی هستند که در دوران خود محمد و عمدتاً با حضور شخصی او صورت گرفته‌اند و جز با سوءنیتی آشکار نمیتوان از آنها اجازه‌نامه‌ای برای جنگ‌های بسیار بزرگتری ساخت که در سالهای بعد از پیامبر در بیرون از عربستان انجام گرفت.

نکته سومین که آن نیز به اندازه هر دو نکته دیگر اهمیت دارد این است که در هیچیک از آیات «قتال» دوران مدینه، این قتال جنبه تجاوزکارانه ندارد، بلکه تقریباً در همه آنها به مسلمانان گفته میشود که اگر دشمن پیمان شکنی کند و به مخاصمه برخیزد، در آنصورت آنان نیز با او به مقابله برخیزند: «در راه خدا با آنهايي که با شما به کارزار برمیخیزند کارزار کنید، ولی خودتان آغازگر مخاصمه نباشید، زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمیدارد» (بقره، ۱۹۰)؛ «اگر با شما به مخاصمه برنخیزند یا از در صلح درآیند، خداوند به شما اجازه مقابله با آنانرا نمیدهد» (نساء، ۹۰)؛ «... و اگر دست از مقاتله برداشتند، شما نیز از آن دست بردارید، زیرا ستم جز با ستمکاران نمیاید کرد» (بقره، ۱۹۳).

البته در قرآن آمده است که برترین دین نزد خداوند اسلام است، ولی در هیچ جای آن گفته نشده است که این دین برتر میباشد از راه شمشیر بر دیگران تحمیل شود. مشخص نیست که در صورتیکه محمد زنده میماند برنامه حکومتی او در سالهای بعد از حجة الوداع چه میبود، ولی با توجه به روش ۲۳ ساله دوران پیامبری وی، مسلماً تلاش او به تحکیم ضوابط اسلامی بویژه در جهت گرایش توحیدی و دوری از شرک و بازسازی عمقی این جامعه مربوط میشد. به احتمال بسیار صدور آیین نوبه دیگر سرزمینهای نزدیک و دور نیز نادیده گرفته نمیشد، ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که گفته شود برای اینکار راه شمشیر در نظر گرفته میشد و نه راه تبلیغ و موعظه‌ای که خود محمد از آغاز برای دعوت مذهبی خویش در پیش گرفته بود.